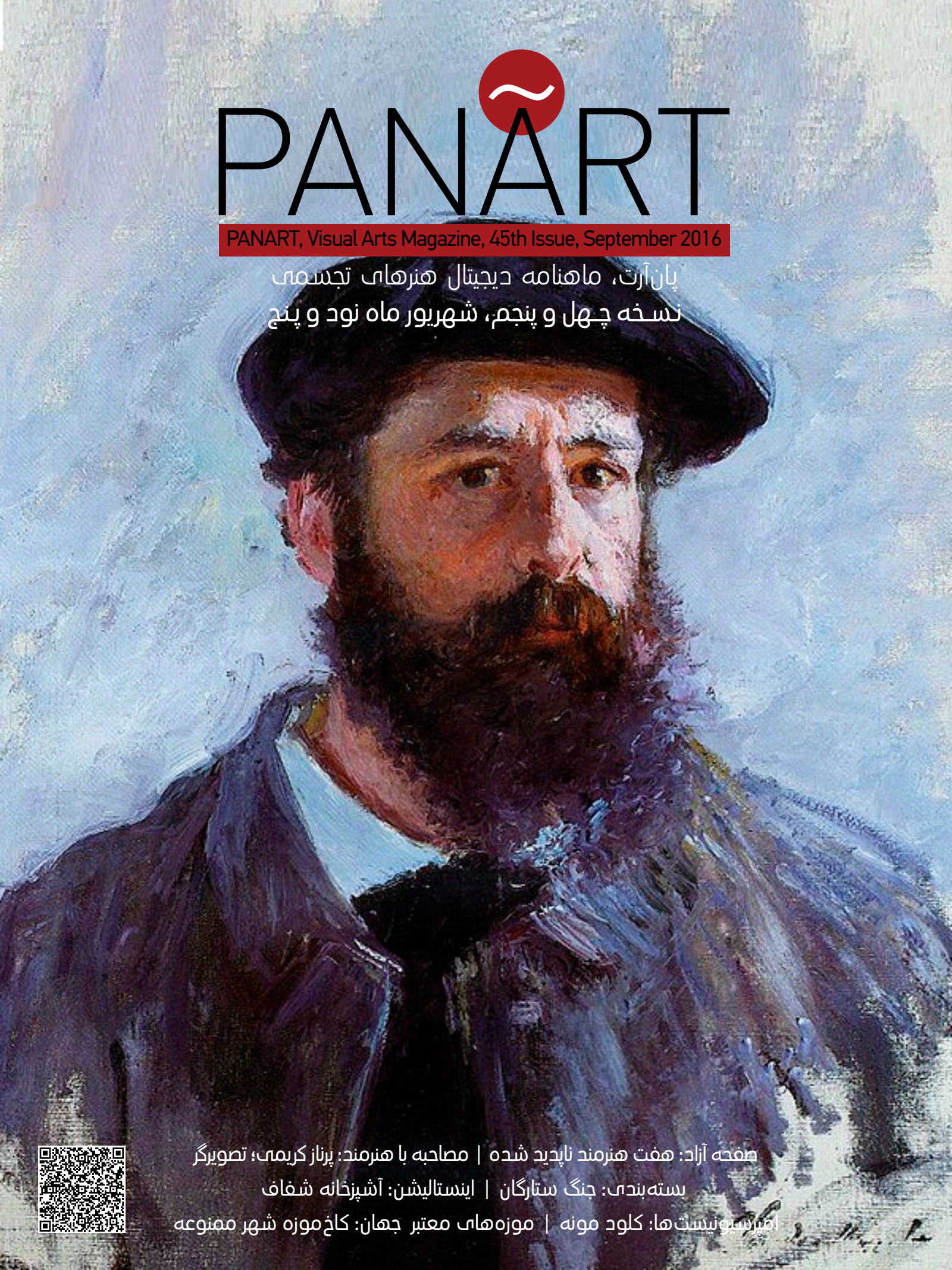


PANART

PANART, Visual Arts Magazine, 45th Issue, September 2016

پان‌آرت، ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی

نسخه چهل و پنجم، شهریور ماه نود و پنج

صفحه آزاد: هفت هنرمند ناپدید شده | مصاحبه با هنرمند: پرناز کریمی؛ تصویرگر

بسته‌بندی: جنگ ستارگان | اینستالیشن: آشپزخانه شفاف

امپرسیونیست‌ها: کلود مونه | موزه‌های معتبر جهان: کاخ‌موزه شهر ممنوعه

PANART

PANART, Visual Arts Digital Magazine

ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی پان‌آرت

پان‌آرت مجله‌ای دیجیتال با محتوی هنرهای تجسمی است. از مهمترین اهداف ماهنامه، معرفی هنرمندان جوان ایرانی و حمایت از آنهاست. در هر نسخه هنرمندان عزیزی از سرزمین ایران معرفی شده تا با اینکار گامی هرچند کوچک در گسترش هنر برداشته باشیم و با شعار "بهترین‌ها، با ما هستند" همیشه به دنبال معرفی هنرمندان و افراد برتر در زمینه هنر هستیم. علاوه بر این، ارایه رویداد و اخبار هنری و همینطور ارایه فایلهای مفید در زمینه هنرهای تجسمی از سایر محتویات پان‌آرت به شما ر می‌آید. بخش های دیگر پان آرت نظیر پادکست، بررسی مقالات و آموزش دیجیتال، منتظر بازدید و نظرات شما هنرمندان محترم میباشد.

تمامی آثار و نیز مصاحبات منتشر شده با اجازه از شخص هنرمند معرفی شده بوده و تمامی حقوق برای گروه پان‌آرت محفوظ است. هرگونه تولید، تکثیر، کپی و یا نقل قول؛ تنها با هماهنگی گروه پان‌آرت مجاز است. کپی فایل مجله بلامانع است و به جهت گسترش فرهنگ و هنر، این فایل بصورت رایگان میباشد.

پان آرت یک مجله‌ی ثبت شده با مجوز حق نشر دیجیتال از مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال بوده و حق نشر و تکثیر تمامی متون، تصاویر و مقالات ارایه شده در آن به هر نحو متعلق به گروه فرهنگی هنری پان آرت میباشد.

پان‌آرت یک گروه فرهنگی هنری است که بصورت خصوصی فعالیت میکند و به هیچ ارگان، گروه، انجمن و یا حزبی وابستگی ندارد و تمامی فعالیتهای آن همسو با قوانین کشوری است.

پان آرت در اصلاح، حذف و پذیرش متون ارایه شده اختیار کامل دارد. تصاویر و مطالب ارایه شده به دفتر مجله، بازپس داده نخواهد شد. اطلاعات ارایه شده در مجله، نظر گروه پان‌آرت نیست و صحت مطالب درج شده در مصاحبات و معرفی هنرمندان، به عهده شخص هنرمند خواهد بود.

مجله دیجیتال هنرهای تجسمی پان‌آرت از دریافت مقالات، پژوهش‌ها، مصاحبه‌ها و سایر مطالب مرتبط با هنرهای تجسمی استقبال میکند. مطالب ارسالی باید کاربردی و از سطح علمی-هنری مناسبی برخوردار باشند.

از تمامی هنرمندانی که به ارسال مطالب یا خبر اقدام میکنند خواهش میگردد حق کپی را رعایت کرده و در صورتی که مطلب از خود آنها است، منابع مورد استفاده و رزومه کاری خود را نیز ارسال کنند. در صورتی که اطلاعات مربوط به شخص دیگری است، ذکر نام گروه تهیه کننده مطالب الزامی است.

شبکه‌های اجتماعی فعال گروه پان آرت

"ماهنامه اینپرینت مگزین کالیفورنیا" با محتوی هنرهای تجسمی، همکار ماهنامه پان‌آرت در معرفی هنرمندان.

اعضای مجله دیجیتال پان آرت

موسس، مدیر مسوول، سردبیر : رضا عـآلی
مشاور هنری: آرین خانی
مشاور سایت و برنامه نویس: علی عـآلی
نویسندگان: رضا عالی، محمد رضائی
مترجمین: بهار بدیهی، رضی الدین طبیب

همکاران این شماره:

ویراستار: محمد راد
روابط عمومی: پژمان سرحدی

تماس با دفتر مجله:

تلفن: ۳۱۹۲ ۶۶۷۸ ۰۲۱
وب سایت فارسی: http://panart.ir
وب سایت لاتین: http://panart.ir/en
پست الکترونیکی: info@panart.ir
ارتباط با مدیریت: manager@panart.ir

اسپانسرهای این نسخه:

آرتیمان استودیو، آژانس تبلیغات و رسانه
گروه زیـورآلات سون‌استون سوئد

مدیریت گروه
مشاور هنری گروه

حرف اول

بنام خالق هنر. به نسخه چهل و پنجم از ماهنامه هنرهای تجسمی پان‌آرت خوش آمدید. بر طبق بازخوردهای دریافت شده از علاقه‌مندان هنر، سعی بر آن شده تا محتوای بیشتری در مجله قرار داده شود. بر این اساس در نسخه جدید، شاهد ارایه محتوایی جدید در بخش نقاشان و نیز مقاله ویژه این ماه هستیم. معرفی کلود مونه و نیز مقاله‌ای از آرتسی با وسواس بیشتری انجام شده تا مخاطبین بتوانند با بررسی آن، به منابع و اطلاعات بیشتری دست یابند. همچنین بخش موزه‌گردی نیز با تغییراتی مشابه تقدیم گردید. قسمت معرفی هنرمند این ماه نیز با مصاحبه و ارایه اثاری از هنرمند جوان، خانم پرناز کریمی به انجام رسیده که با توجه به تجربه و سابقه ایشان در زمینه هنر و طراحی گرافیک و تصویرسازی، این مصاحبه میتواند برای خوانندگان جوانتر باعث جذابیت و نیز نمایشی از وضعیت بهتر هنر در کشور گردد.

در نهایت، از تمامی خوانندگان دعوت مینماییم تا در مورد موضوعات مرتبط با هنرهای تجسمی، مقالات و متون خود را به جهت بررسی و نشر در مجله ارایه نمایند تا هر روز شاهد گسترش بیشتر هنر در کشور باشیم.

رضا عـآلی، سردبیر و مدیر مسوول



8

موزه‌های معتبر جهان

کاخ موزه شهر ممنوعه



30

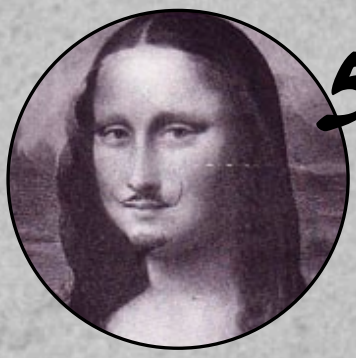
اینستالیشن: آشپزخانه شفاف



42

مصاحبه با هنرمند

پرناز کریمی



58

صفحه آزاد

هفت هنرمند ناپدید شده



74

امپرسیونیست‌ها

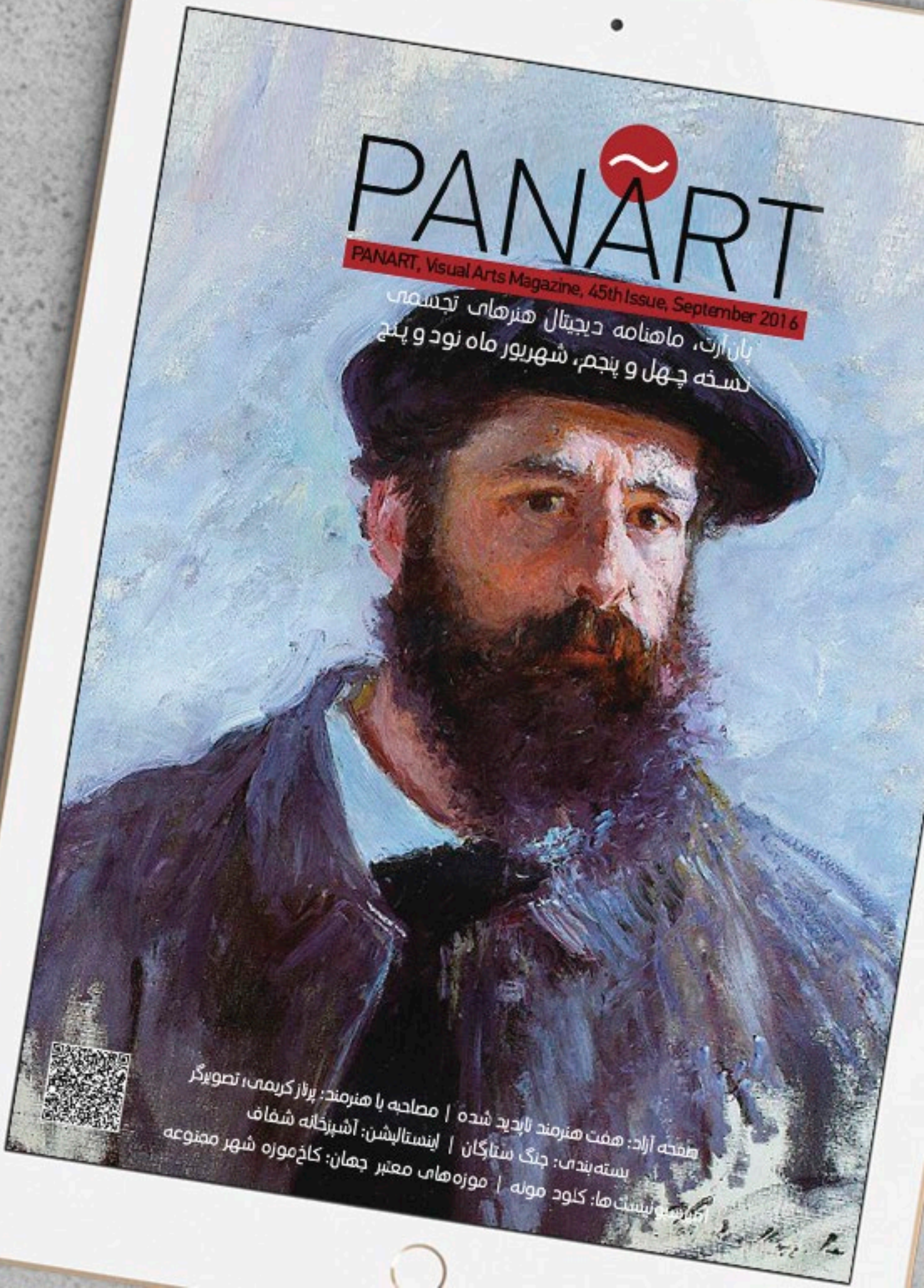
کلود مونه



96

بسته‌بندی

جنگ ستارگان


PANART
PANART, Visual Arts Magazine, 45th Issue, September 2016
پان‌ارت، ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی
نسخه چهل و پنجم، شهریور ماه نود و پنج
صفحه آزاد: هفت هنرمند ناپدید شده | مصاحبه با هنرمند: پرتاز کریمی، تصویرگر
پسته‌بندی: جنگ ستارگان | اینستالیشن: آشپزخانه شفاف
کلوزآپ نیست ها: کلود مونه | موزه‌های معتبر جهان: کاخ‌موزه شهر محنوعه


rite
Palette Master
BenQ
کامل‌ترین نمایشگر در حیطه رنگی نمایش و چاپ
with 99% Adobe RGB and 100% CMYK colourspace
BENQ pg2401pt
et


Powered by
BenQ
What you see is what you g



Art Museums

The Palace Museum

The Forbidden City was the Chinese imperial palace from the Ming dynasty to the end of the Qing dynasty - the years 1420 to 1912. It is located in the centre of Beijing, China, and now houses the Palace Museum. It served as the home of emperors and their households as well as the ceremonial and political centre of Chinese government for almost 500 years.



موزه‌های معتبر جهان: کاخ موزه شهر ممنوعه

«شهر ممنوعه» از دوران حکمرانی دودمان «مینگ» تا پایان فرمانروایی دودمان «چینگ» کاخ سلطنتی کشور چین به شمار میرفت. این کاخ در مرکز شهر پکن، پایتخت کشور چین قرار گرفته که اکنون به یک کاخ موزه تغییر کاربری یافته است. این کاخ برای مدت ۵۰۰ سال محل اقامت امپراتوران کشور چین و خانواده‌هایشان بوده است و نیز از آن به عنوان مرکز برگزاری تشریفات درباری و انجام فعالیت‌های سیاسی دولت چین در دوران گذشته یاد میشود.



مجموعه بزرگ کاخ موزه شهر ممنوعه چین[1] که مابین سالهای ۱۴۰۶ تا ۱۴۲۰ ساخته شده است ، ۹۸۰ساختمان کوچکتر را در خود جای داده و نیز وسعتی برابر با ۱۸۰ جریب دارد. مجتمع کاخ نشانگر معماری سلطنتی سنتی کشور چین است و بر تحولات فرهنگی و معماری منطقه شرق آسیا و دیگر نقاط آن تاثیر بسزایی بر جای نهاده است. شهر ممنوعه در سال ۱۹۸۷ به عنوان میراث جهانی ثبت گردید و به عنوان وسیع‌ترین مجموعه‌ی حفاظت شده‌ی «ساختمان‌های چوبی باستانی[2]» در فهرست یونسکو قرار گرفت.

از سال ۱۹۲۵ شهر ممنوعه تحت اختیار کاخ موزه قرار گرفته است که این موزه بزرگترین مجموعه آثار هنری و دست ساخته‌های ارزشمندِ سلطنتی متعلق به دودمان‌های سلطنتی «مینگ و چینگ[3]» را در خود جای داده است. بخشی از مجموعه سابق موزه، اکنون در کاخ موزه ملی در تایپه (مرکز کشور تایوان) قرار دارد. هر دوی این موزه‌ها از یک موسسه مشتق شده‌اند اما پس از جنگ داخلی چین از یکدیگر جدا شدند. بالغ بر ۱۴ میلیون بازدیدکننده در سال از کاخ موزه دیدن میکنند که باعث شده تا این موزه مبدل به پر بازدیدترین مجموعه هنری در جهان شود.

کلکسیون‌های کاخ موزه بر اساس مجموعه سلطنتی دودمان چینگ جمع‌آوری شده‌اند. مطابق با بررسی‌های سال ۱۹۲۵، حدود یک میلیون و صد هفتاد هزار اثر هنری در شهر ممنوعه گردآوری شده بود. علاوه بر این، کتابخانه‌های سلطنتی مجموعه بزرگی از کتب کمیاب و اسناد تاریخی شامل اسناد دولتی دودمان‌های مینگ و چینگ را در خود جای داده بودند.

1- Forbidden City - the Palace Museum -

2- Ancient Wooden Structures

3- Ming and Qing










太和殿

از سال ۱۹۳۳، تهاجم نظامی ژاپن به کشور چین باعث شد تا مهمترین بخش‌های مجموعه کاخ موزه تخلیه و به جای دیگر انتقال یابد. پس از پایان جنگ جهانی دوم این مجموعه دوباره به شهر نانجینگ[۴] بازگردانده شد. گرچه کمی بعد با پیروزی کمونیست‌ها (به رهبری مائو تسه دونگ[۵]) در جنگ داخلی چین، باعث شد تا دولت ملی گرای چین (به رهبری چیانگ کای شِک[۶]) تصمیم بگیرد تا این مجموعه را از طریق دریا به تایوان انتقال دهد. از تعداد ۱۳،۴۹۱ صندوق تخلیه شده حاوی دست ساخته‌های هنری، ۲،۹۷۲ عدد از آنها کاخ موزه ملی تایوان نگاهداری میشود. بیش از ۸،۰۰۰ صندوق از آثار به پکن بازگردانده شد اما ۲،۲۲۱ صندوق تا به اکنون همچنان در اختیار خزانه‌ی موزه شهر نانجینگ قرار دارد.

بعد از سال ۱۹۴۹، کاخ موزه خط مشی جدیدی بر اساس جستجو در شهر ممنوعه اتخاذ نمود که موجب کشف شماری از نمونه‌های مهم گردید. بعلاوه، دولت آثار هنری دیگری متعلق به موزه‌های اطرافِ کشور را به منظور ترمیم مجدد کلکسیون کاخ موزه گردآوری نمود. همچنین این موزه آثار هنری دیگری را بواسطه خرید از مردم یا هدایای آنها به دست آورد.

امروزه بیش از یک میلیون اثر هنری کمیاب و ارزشمند در مجموعه دائمی کاخ موزه قرار دارد که شامل نقاشی‌ها ، آثار سرامیکی، مُهرها، لوح‌های سنگی، مجسمه‌ها، ابزار حکاکی شده، ابزار برنزی ، آثار میناکاری شده و سایر آثار میباشد. بر اساس یک بررسی انجام شده درباره مجموعه کاخ موزه مابین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، این موزه تعداد ۱،۸۰۷،۵۵۸ اثر هنری را در خود جای داده است که ۱،۶۸۴،۴۹۰ اثر از این مجموعه به عنوان «یادگارهای ارزشمند فرهنگی» اختصاص داده شده و تحت حفاظت ملی قرار دارد.

4- Nanjing City

5- Mao Tse-tung

6- Chiang Kai-shek



















بخش اعظم آثار موزه به این ترتیب تقسیم‌بندی میشوند:

سرامیک‌ها : کاخ موزه ۳۴۰،۰۰۰ قطعه سرامیک و چینی را نگاهداری مینماید. این مجموعه علاوه بر کلکسیون‌های سلطنتی دودمان تانگ و سونگ[۷] ، شامل نمونه‌های ارائه شده‌ی موزه و مجموعه شخصی امپراتور نیز میباشد. کاخ موزه در حدود ۳۲۰،۰۰۰ قطعه از چینی‌های سلطنتی را در خود جای داده است. مابقی این اثار اغلب در موزه ملی تایپه و موزه نانجینگ[۸] نگاه داشته میشود.

نقاشی‌ها: کاخ موزه نزدیک به ۵۰،۰۰۰ نقاشی را در اختیار دارد. از این تعداد بیش از ۴۰۰ اثر به دوران پیش از فرمانروایی دودمان یوآن[۹] باز میگردد (۱۲۷۱_۱۳۶۸ میلادی). این کلکسیون، بزرگترین مجموعه در نوع خود در کشور چین به شمار میرود. این مجموعه آثار، بر اساس کلکسیون متعلق به دودمان‌های مینگ و چینگ جمع آوری شده است. علاقه شخصی امپراتوران چینی همچون «چیانگ لونگ[۱۰]» (ششمین امپراتور چین از دودمان چینگ) باعث شد تا این کاخ یکی از ارزشمندترین کلکسیون‌های نقاشی در تاریخ کشور چین را در خود جای دهد گرچه بخش مهمی از این مجموعه طی سال‌های متمادی مفقود گردید. پس از کناره‌گیری امپراتور پوئی[۱۱] (آخرین فرمانروای چین از دودمان چینگ) در سال ۱۹۱۲، وی نقاشی‌ها را از کاخ به بیرون انتقال داد و طی این جابجایی بسیاری از آنها یکی پس از دیگری مفقود یا نابود شدند. در سال ۱۹۴۸ بسیاری از آثار هنری به تایوان انتقال داده شد. این مجموعه متعاقبن با آثار جدید اهدا شده توسط مردم،خریدهای موزه و انتقال دیگر آثار از موزه‌های کشور به آن، نوسازی و تجهیز گردید.

آثار برنزی: قدمت کلکسیون برنزی کاخ موزه به دوران فرمانروایی دودمان شانگ[۱۲] باز میگردد. بیش از ۱۰،۰۰۰ قطعه برنزی در این مجموعه نگهداری شده که حدود ۱،۶۰۰ اثر منقوش یا حکاکی شده‌ی آن به دورانِ پیش از فرمانروایی دودمان چین[۱۳] باز میگردد. (۲۲۱ پیش از میلاد). بخش مهمی از این مجموعه شامل آثار برنزی مربوط به تشریفاتِ بارگاه سلطنتی است.



7- Tang and Song

8- Nanjing Museum

9- Yuan

10- Qianlong

11- Puyi

12- Shang

13- Qin



ساعت‌های مکانیکی: کاخ موزه با در اختیار داشتنِ بیش از ۱،۰۰۰ ساعت مکانیکی و اثر هنری مربوط به سده‌های هجدهم و نوزدهم، یکی از بزرگترین کلکسیون‌های ساعت‌های مکانیکی را در خود جای داده است. این کلکسیون شامل ساعت‌های ساخت کشور چین و ساخت دیگر کشورهای جهان است. قطعات چینی توسط کارگاه‌های بومی چینی مستقر در شهرهای «گوانگژو و سو ژو[۱۴] » تهیه شده‌اند. آثار خارجی توسط کشورهایی همچون بریتانیا، فرانسه، سوئیس، ایالات متحده آمریکا و ژاپن ساخته شده‌اند. بخش اعظم این آثار عمدتن توسط بریتانیا تهیه شده است.

یَـشم: یشم در فرهنگ چینی جایگاه بی‌نظیری دارد. کلکسیون موزه از مجموعه سلطنتی مشتق شده است که شامل ۳۰،۰۰۰ اثر هنری است. بخش مربوط به دوران پیش از فرمانروایی دودمان یوآن دربرگیرنده ی آثار متمایز و مشهور تاریخی است و علاوه بر آن، شامل مصنوعات هنری کشف شده توسط باستان‌شناسان در سالهای اخیر است. قدیمی ترین آثار این مجموعه به دوران نئولیتیک[۱۵] باز میگردد. از طرفی دیگر علاوه بر قطعات اهدایی اطراف کشور و دیگر کشورها به دربار سلطنتی چین، کاخ موزه آثار یشمی متعلق به دودمان‌های مینگ و چینگ که جزو آثار مورد استفاده در موزه هستند را نیز شامل میگردد.

مصنوعات هنری کاخ: علاوه بر آثار هنری، بخش عمده‌ای از کلکسیون کاخ مصنوعات هنری دربار سلطنتی را نیز در خود جای داده است. این مجموعه، آثار مورد استفاده توسط خاندان سلطنتی و زندگی روزانه آنها در کاخ را در برگرفته و علاوه بر آن قطعات مورد استفاده در نظام بوروکراسی و مدیریتی دولت چین و تشریفات درباری را نیز شامل میگردد. این مجموعه‌ی جامع، زندگی روزمره و آداب و رسوم تشریفاتی دوران امپراتوری چین را حفظ مینماید.

14- Guangzhou (Canton) and Suzhou (Suchow)

15- Neolithic



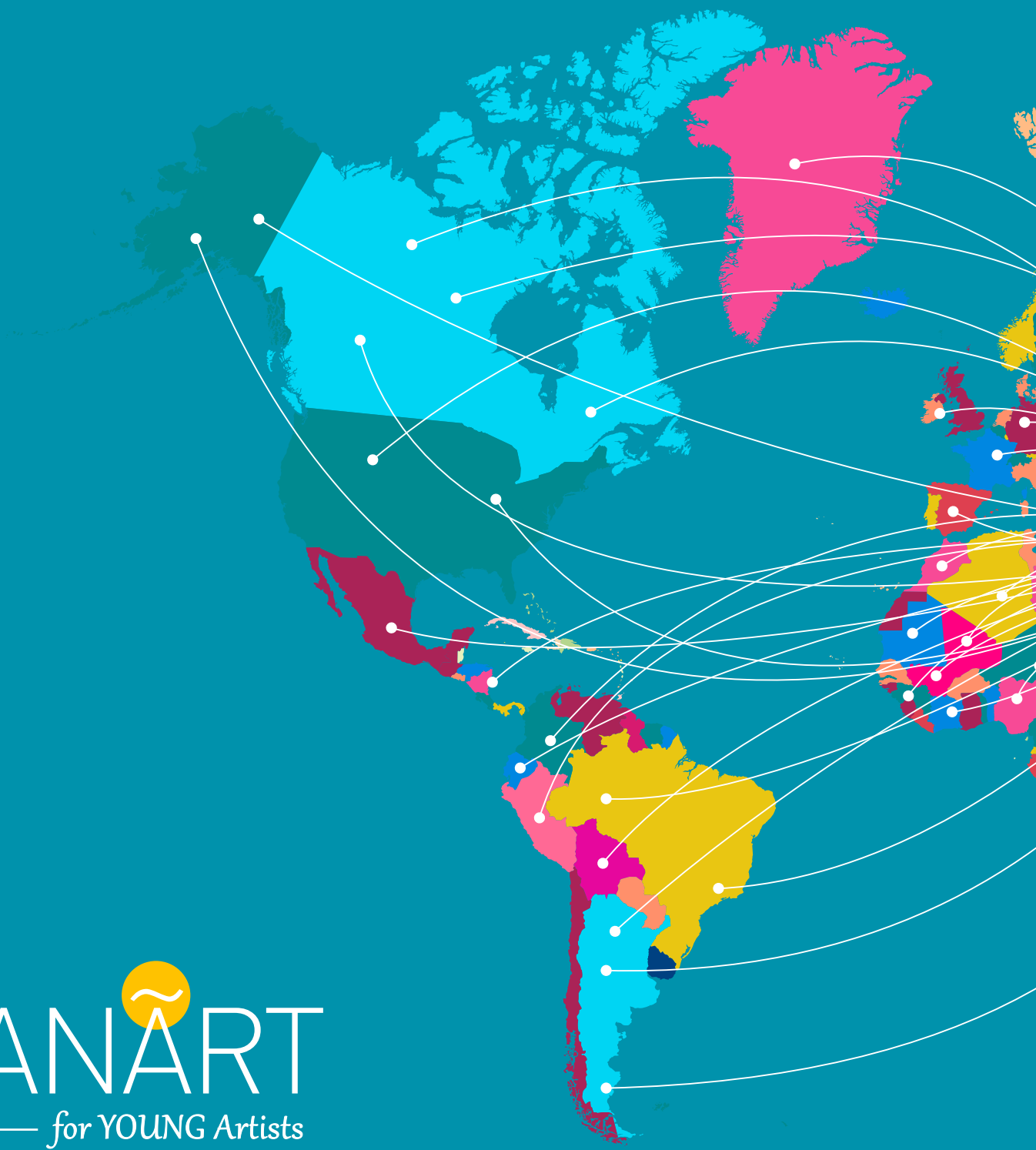

學焉
扶義
英忠
雅隆



LinkedIn®

با حضور در پان آرت

هنرمندی متمایز باشید



PANART

for YOUNG Artists

معرفی هنرمندان حاضر در سایت لاتین پان آرت

به گروه های هنری خارج از کشور

http://panart.ir/en



اینستالیشن: آشپزخانه شفاف

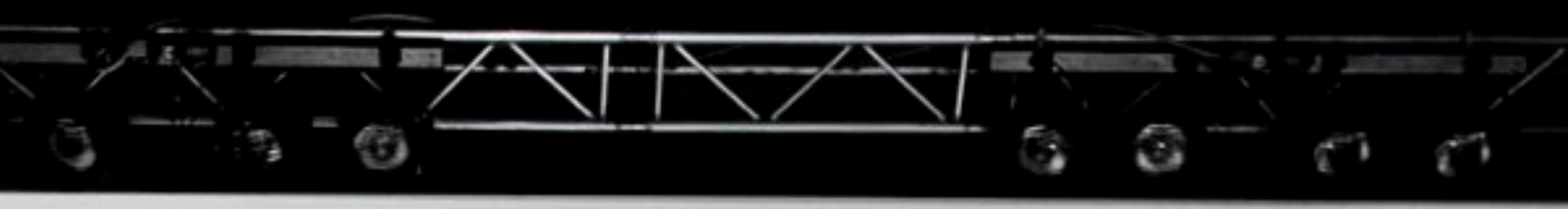
اینجا همه چیز شفاف است. یک آشپزخانه که در یک میز شفاف محاصره شده است. آشپز، لوازم، غذا و هر آنچه باید در این مکان باشد برای شما قابل بررسی است. خلق یک آشپزخانه در محیطی شفاف نه فقط به منظور ایجاد یک اینستالیشن، بلکه ایجاد محیطی که بتوان در آن به دقت مخاطب در انتخاب و چیدمان هم احترام گذاشت نیز ساخته شده است. سازه‌ی شرکتی که با خلق این موضوع توجه آشپزها و بانوان را به خود جلب کرده در این نسخه معرفی میگردد.

INSTALLATION

A Fully Transparent Kitchen

A fully transparent kitchen; what does that mean? Well, it means that everything that we keep inside our cupboards that are overhead or below the counter or anywhere else in the kitchen would be visible! Yes, everything. MVRDV has come up with ' Infinity Kitchen ' for a satellite event Kitchen Home Project at the 2016 Venice Biennale that focuses on the living and home environment.





یک آشپزخانه کاملن شفاف معنایش چیست؟ خوب، به این معناست که هر چیزی که درون آشپزخانه در قفسه ظروف بالا و پایین پیشخوان آشپزخانه یا هر جای دیگر آن نگه میداریم، مرئی و قابل دیدن است! بله... همه چیز. «ام وی آر دی ام[۱]» با مفهوم «آشپزخانه نامحدود[۲]» و به منظور معرفی از رویدادهای وابسته به پروژه آشپزخانه خانگی در سال ۲۰۱۶ در باینیال ونیز[۳] مطرح شده است که بر روی محیط زنده پیرامون ما متمرکز شده است. مرکز هنرهای ونگ لینگ[۴] در شهر پکن مسئولیت برگزاری این پروژه را بر عهده گرفته است. این پروژه همچنین آثار ساخته شده‌ی «کِنگو کوما و آئو یِئونگ[۵]» که هنرمندانی رسانه محور هستند را به نمایش میگذارد. نمایش پروژه آشپزخانه خانگی در دانشگاه «آی یو اِی وی[۶]» شهر ونیز کاترون[۷] کماکان ادامه خواهد داشت.

طراحی «ام وی آر دی ام» امکان اینکه ما چگونه یکبار با نمایش دادن همه آنچه که در آشپزخانه هایمان سر و کار داریم را مورد برررسی قرار میدهد و تقریبن هیچ قسمت آشفته یا شلوغ آن پنهان نخواهد ماند. همه چیز از پیشخوان‌ها گرفته تا قفسه‌ها، کابینت‌ها و شیرهای آب تمامن شفاف خواهند شد. به نظر میرسد که این شفافیتِ محیطی باعث میگردد تا کاربران به صورتی مناسب





نسبت به آنچه که در آشپزخانه هایشان نگه میدارند آگاه باشند؛ اینکه چه مواد غذایی باید برای نگاه‌داشتن در آشپزخانه انتخاب کنند، نگهداری ملزومات در قفسه‌های آن و همچنین بالا بردن کامل تجربه‌ی آشپزخانه داری تمامن باعث بررسی دقیقی میگردد. مفهوم آشپزخانه نامحدود قصد دارد تا شیوه‌های آشپزی و مطلوب‌تر در تهیه غذا را بررسی کرده و بهبود بخشد و البته آگاهی ما را نسبت به مکانی که نسبت به آن اتکا و وابستگی زیادی داریم بالا ببرد و چگونگی انجام فرآیندهای درون آن را نشان دهد.

1- MVRDV

2- Infinity Kitchen

3- Venice Biennial

4- Weng Ling of the Beijing Centre for the Arts

5- Kengo Kuma - Au Yeung

6- IUAV

7- Venezia Ca’ Tron







چقدر غذاهایی که ما طبخ میکنیم از دید ما پنهان هستند؟! چقدر از میزان آنچا که آماده میکنیم به هدر میرود؟! آیا آشپزخانه ما واقعن به همان میزانی که تصور میکنیم تمیز است؟! اما مفهوم آشپزخانه نامحدود همچنین قصد دارد یک کار اساسی دیگری نیز انجام دهد: نگهداری مطلوب غذا و آشپزی.

واینی ماس[8] یکی از بنیانگذاران «ام وی آر دی ام» میگوید: «چنانچه تصور کنیم که همه چیز در آشپزخانه کاملن شفاف و تمیز است به این معنا نیست که تنها چیز مرئی و رنگارنگ موجود در آن مواد غذایی است. ما صرفن قصد نداریم که تنها بر این نکته اشاره کنیم که شما را نسبت به مواد غذایی علاقه‌مند نماییم، بلکه ممکن است بر شیوه‌ای سالمتر به شما در زمان پخت نیز کمک کنیم.

من چنین آشپزخانه‌ای را به مثابه بخشی از یک رویای بزرگتر میبینم. به عنوان بخشی از یک محیط. اگر یک شهر نباشد این آشپزخانه شفاف بواسطه آن در دسترس است؛ اما تصور کنید که فقط آشپزخانه‌های ما شفاف نبود بلکه حتی دیوارهای میان همسایه‌هایمان نیز بدین شکل بود. اگر چنین بود میتوانست پرسپکتیوی بی‌نهایت در شهرهایمان خلق کند. همچنین این مسئله میتوانست در چارچوب محیط‌های تنگ محل زندگی ما یک منظره ویژه ایجاد کند که به سمت کوهستان یا دریا جهت یافته است.»

.....

8- Winy Maas







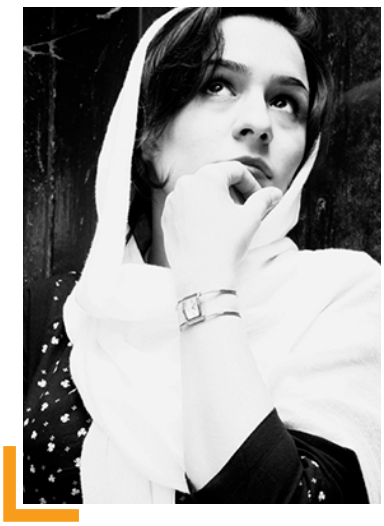






پروژه ی آشپزخانه نامحدود ما را نسبت به اتلاف و هدردادن چیزهای مختلف آگاه میسازد و به ما امکان حذف کردن هر چیز غیر ضروری را میدهد و میتواند برای مواد غذایی موجود در آشپزخانه اتفاق مهمی رقم بزند. «ام وی آر دی ام» به دنبال به چالش کشیدن صنعت آشپزخانه است اما آنچه که میتوان تصور کرد، نگاه کردن در آشپزخانه‌ای است که در آن زمان‌های ارزشمند زندگی ما هر روزه صرف تمیزکردن تمام فضای آن میگردد؛ صرفن برای اینکه صدای جیغ مانند حاصل از تمیزشدن کف آنرا هر روز بشنویم.

آشپزخانه برای ما قطعن مکانی جذاب است و این مسئله تنها واقعیت موجود درباره مفهوم «ام وی آر دی ام» نیست، اما ایجاد چیزی که تابحال درباره آن فکر نشده بود را امکانپذیر ساخته است که میبایست مورد توجه قرار گیرد. این مفهوم به شکلی انتزاعی بر روی تمام چیزهایی که «ام وی آر دی ام» قصد داشته نشان دهد استوار گشته است. با این حال آیا زندگی‌های ما واقعن به این گونه شفافیت نیازمند است؟ یا این مداخله تکنولوژیکی نوین در عوض، مشکلات بیشتری پیش روی کاربران قرار خواهد داد؟ با وجود تمامی اینها، این پروژه نسبت به الهام بخشیِ بیشتر و نفوذ طراحی در صنعت به همه ما اطمینان میدهد.



Artist Focus

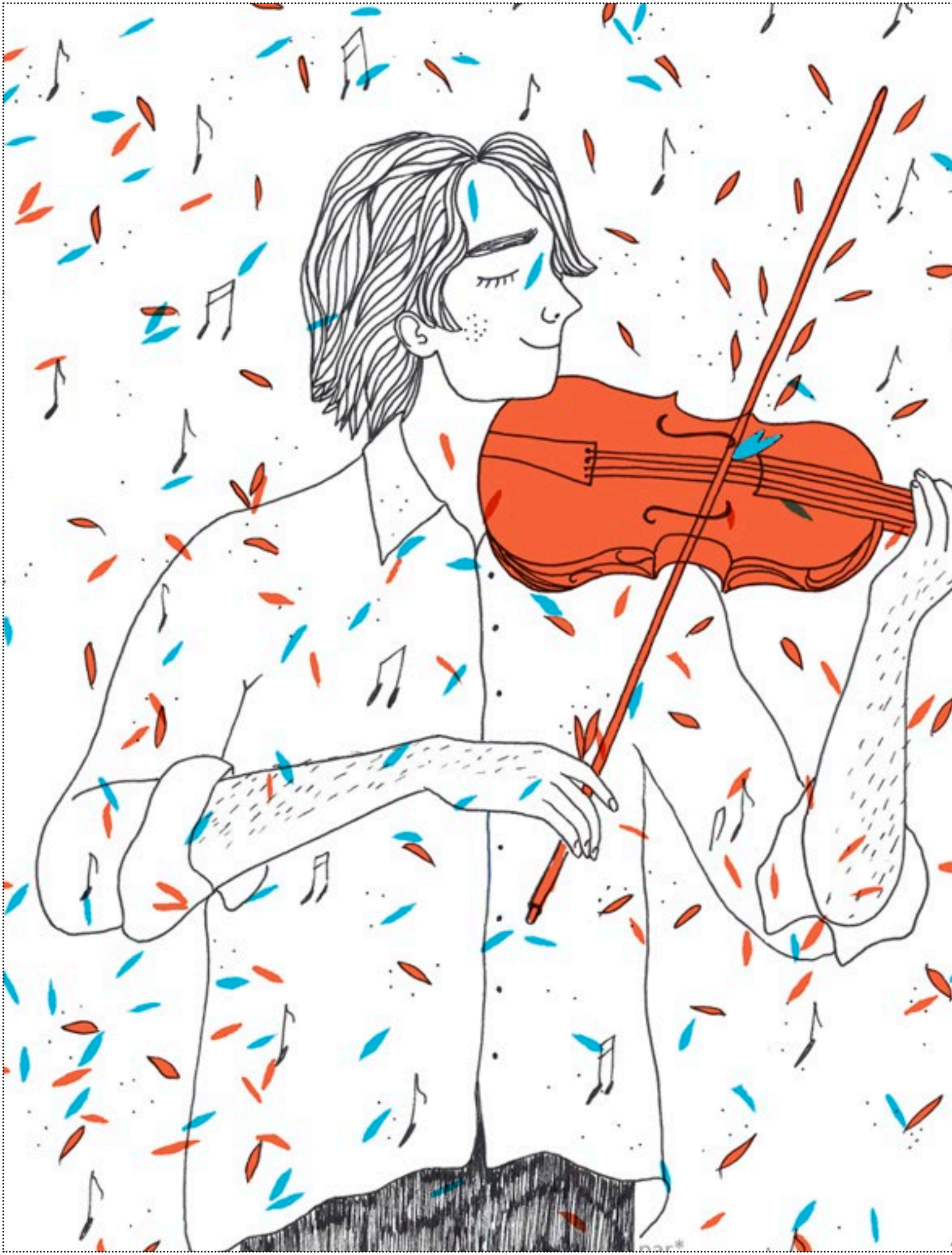
Parnaz Karimi; Illustrator

پرناز کریمی؛ تصویرگر

هنر تصویرگری از فعالیتهایی است که در کشور ما بسیار مورد توجه جوانان واقع شده ولی بر خلاف قدمت بسیاری که در ایران دارد، هنوز بیشتر معطوف به کتاب‌های کودک میباشد. بر خلاف سایر کشورها که شاید پیشینه کمتری از ما در تصویرگری دارند، این هنر در زمینه‌هایی چون پوستر تئاتر، پوشاک، طراحی گرافیک و یا موسیقی کمتر استفاده میشود و این خود بهانه‌ای شد برای گفتگو با هنرمندی که سال‌هاست سعی در شکستن این ساختار دارد و البته با کوشش‌های خود تا حد مناسبی نیز موفق گردیده است.

پرناز کریمی هنرمند جوانی است که در خانواده‌ای هنر دوست و فعال به ویژه در زمینه‌ی نقاشی چشم به جهان گشود. ایشان در سال‌های کودکی با آموزش پدربزرگ خود که در زمینه هنر استادی بنام بودند، توانست رشد بیشتری نسبت به سایرین داشته باشد. این هنرمند با ورود به دانشگاه و گسترش سطح دانش علمی و بصری خود، به حیطه گرافیک و پوستر تئاتر نیز علاقه‌مند شد و همینطور با گزراندن دوره‌های مختلف، سعی بر خلق پوسترهایی نمود که تصویرگری نیز در آنها مشهود باشد. ایشان همچنین با استفاده از راهنمایی اساتیدی همچون رضا عابدینی، به ساختار و فضایی در دیزاین رسیده است که در آثارشان به خوبی خودنمایی میکند.

خلاقیت، اجرا و ایده‌های مناسب **پرناز کریمی** در آثارش، باعث خلق محیطی روایتگرانه و سورئال در کنار ترکیب‌بندی مناسب و استفاده‌ی به‌جا از رنگها گردیده است. این روند، هم در تصویرگری و هم در آثار گرافیک او باعث جذب مخاطب و نیز رشد دادن فرهنگ طراحی پوستر و تصویرسازی با یکدیگر شده و میتواند برای هنرمندن جوانتر راهنمایی مناسب باشد.




رویای شب نیمه‌ی تابستان
کاری از گروه تئاتر بوهمی
طراح و کارگردان: مونا احمدی
نویسنده: فاطمه رحیمی (برداشتی آزاد از نمایشنامه‌ی رویای شب نیمه‌ی تابستان، نوشته‌ی ویلیام شکسپیر)
بازیگران به ترتیب ورود:
فریبرز کریمی، شیما عرب، محمد برهمنی، ندا جبرائیلی، نوید فیاض، دیبا خاتمی
طراح لباس: نسرین خرمی ، موسیقی: پیام اقدامی
سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۴، ساعت ۱۱،
دانشگاه تهران، ساختمان ایتالیا





علاقه شما به هنر به خصوص تصویرگری از چه زمانی آغاز شد؟

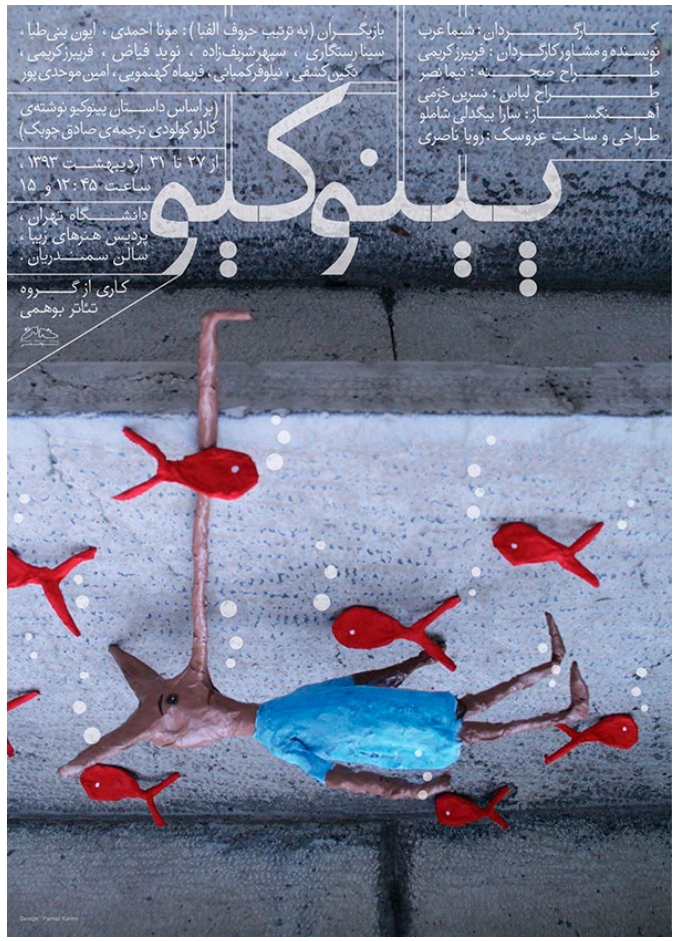
- به دلیل حضور در خانواده‌ای که تقریبن تمام افراد آن به شکلی با هنر و به خصوص هنر نقاشی رابطه‌ای نزدیک داشتند، در فضایی پر از رنگ و نقاشی و کتاب بزرگ شدم. در کودکی ساعت‌های زیادی را صرف تخیل در فضای نقاشی‌ها و تابلوهای آویخته به دیوار که بیشترشان آثار پدربزرگ‌هایم (استاد منصور عابدینی و استاد علی کریمی) بودند میکردم. دیدن آن‌ها در حال کار کردن نیز من را با نقاشی و به طور کلی انتخاب هنر به عنوان حرفه و مسیر زندگی آینده آشنا میکرد.

من نیز مانند کودکان دیگر، از کودکی نقاشی را دوست داشتم و به عنوان سرگرمی ساعت‌های زیادی را صرف کشیدن نقاشی میکردم. اما در دوره‌ی راهنمایی بود که بر اثر تشویق معلم هنرم در مدرسه، به نقاشی پرتره علاقه‌مند شدم و در سال‌های دبیرستان طراحی و نقاشی با مدادرنگی را به طور جدی‌تر در کلاس‌های نقاشی پدربزرگم استاد منصور عابدینی ادامه دادم.

بعدها در دانشگاه تهران دانشجوی رشته‌ی ارتباط تصویری بودم که با تصویرگری به عنوان یک شغل و رشته‌ای جدا از نقاشی و گرافیک آشنا شدم. آن زمان در کلاس‌های تصویرسازی آقای مرتضی زاهدی شرکت کردم؛ در کلاس‌های او با زبان‌های تصویری مختلف، امکانات تکنیکی و روش‌های طراحی برای تصویرسازی و طراحی کتاب و هنرمندان معاصر و آثارشان آشنا شدم و سپس پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ام را در رشته‌ی تصویرسازی ارائه دادم. در واقع این نقطه‌ی شروعی بود برای ورود به این دنیای بزرگ.

بعد از آن در دوره‌ی کارشناسی ارشد و پیش از آن تجربیاتی را در زمینه‌ی نویسندگی و تصویرگری و نیز در زمینه‌ی طراحی و ساخت کتاب به خصوص برای مخاطب کودک گذراندم که به شکلی با تصویرسازی در ارتباط است. در حال حاضر تمرکزم بر روی تکنیک‌ها و روش‌های ساختن ترکیب‌بندی در تصاویر است.





بیشترین فعالیت کاری شما در چه زمینه ای است؟

- در دوران دانشجویی کلاس طراحی پوستر را با استاد رضا عابدینی گذراندم. در کلاس ایشان اتفاقات جالبی را به خصوص در زمینه‌ی ترکیب تصویر و تایپوگرافی تجربه کردم که برایم بسیار جالب بود.

در سال‌های بعد با برادرم فریبرز که در رشته‌ی تئاتر درس میخواند هم‌دانشکده‌ای شدم. برادرم از همان ابتدا از من میخواست که طراحی پوستر و بروشور اجراهایش را من به عهده بگیرم. او همیشه در کارش و در مقام کارگردان بسیار جدی بود و اهمیت طراحی پوستر برایش با طراحی صحنه و لباس و بازی بازیگران برابری میکرد. همین مسئله باعث شد من هم در کارم جدی‌تر باشم و با گذشت زمان علاقه‌ام به طراحی پوستر بیشتر شد؛ در واقع میتوان گفت این مسیری بود که جلوی پایم قرار گرفت و من هم در آن قدم زدم. با کارهای بعدی، پوسترهایم کمی دیده شدند و سفارش‌ها بیشتر در این زمینه به سراغم آمدند.

علاوه بر این، طراحی پوستر بخش مورد علاقه‌ام در طراحی گرافیک است. خلاصه کردن یک موضوع یا یک داستان و نشان دادن آن در یک فریم تصویر در عین حال که میتواند کار سختی باشد، لذت‌بخش هم هست. در این روند میتوان از تکنیک‌ها و ابزارهای مختلفی جهت شکل دادن به این فریم تصویری استفاده کرد که با هر سفارش میتواند متغیر باشد. من در روند طراحی پوسترها تا حدودی این روش‌ها را تجربه کردم اما همیشه برای تجربیات جدید و ادامه دادن مسیر کار قبلی، ایده‌های تازه‌تری وجود دارند و همین طراحی پوستر را برایم جذاب میکند.



لانه خرگوش

کاری از گروه تئاتر بوهمی

نویسنده:::::::::::::::::::

::: دیوید لیندزی ـ ابر:::

کارگردان ::::::: فریبرز کریمی

بازیگران :::::::::::::::::::

شکیبا فدایی ::::::: مینا زمان

کامبیز منصف :::::::::::::::

میترا شیرک‌وند::سعید زارعی

طراحی صحنه:::::::::::::::

نسترن ارفعی::فریبرز کریمی

طراحی لباس : نسرین خرمی

موسیقی:::::: مقداد مهدوی

: دانشگاه تهران::سالن سمندریان:

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۲ ::ساعت ۱۵و۱۷

: شانزدهمین جشنواره بین المللی:

: : تئاتر دانشگاهی ایران : :

Design:Parnaz Karimi

شما از تکنیک‌های مختلفی برای طراحی پوستر بهره برده‌اید؛ آیا این تنوع باعث نشد تا پوسترها از فضای شخصی که از شما انتظار میرود دور شود؟

▪ در روند کاریم در سال‌های گذشته، فضای شخصی دغدغه‌ی اصلی و اولیه‌ام نبوده است. بیشترِ سعیِ من در طراحی هر پوستر، وفادار ماندن به فضای کار سفارش داده شده است تا فضای شخصی کار خودم. برای هر کار جدید، تکنیکی را انتخاب میکنم که بیشترین هماهنگی را با فضای کار (تئاتر یا نمایشگاه عکاسی و ...) داشته باشد. فکر میکنم چیزی که کارهایم را متحد میکند، بیشتر نوع فکر کردن و کانسپت موضوعی کار باشد نه تکنیک کار.

از هنرمندان مورد علاقه خود در داخل و خارج از کشور بگویید؟

▪ پاسخ این سوال به سادگیِ خودِ سوال نیست. هنرمندان مختلف در زمینه‌های مختلف در زندگی ما تأثیر میگذارند؛ من این شانس را داشتم که با بعضی از آن‌ها از نزدیک آشنا شوم؛ در دانشگاه تهران شاگرد استاد بنی‌اسدی و استاد رضا عابدینی بودم که هردو از بزرگ‌ترین هنرمندان ایران هستند. آثار هنرمندان داخلی را تا جایی که بتوانم از نزدیک دنبال میکنم؛ آثار هنرمندان خارجی را هم از فضای مجازی پیگیری میکنم؛ در میان هنرمندان بیشتر از همه آثار تصویرگران است که من را به وجد میآورد، به خصوص آثار این هنرمندان:

Oliver Jeffers, Albertine, Jenny Meilihove, Dinara Mirtalipova, Gabriel Pacheco, Jean Philippe Delhomme, Lisk Feng, Pascal Campion, Edward Gorey, Tim Burton, Sampé, Yelena Bryksenkova, Eric Carle, Christian Voltz…



براساس نمایشنامه‌ی مدهآ نوشته‌ی اوریپید

کاری از گروه تئاتر بوهمی

نویسنده و کارگردان: فریبرز کریمی

بازیگر: آوا درویشی

طراح صحنه: مصطفا مرادیان، طراح لباس: نسرین خرمی

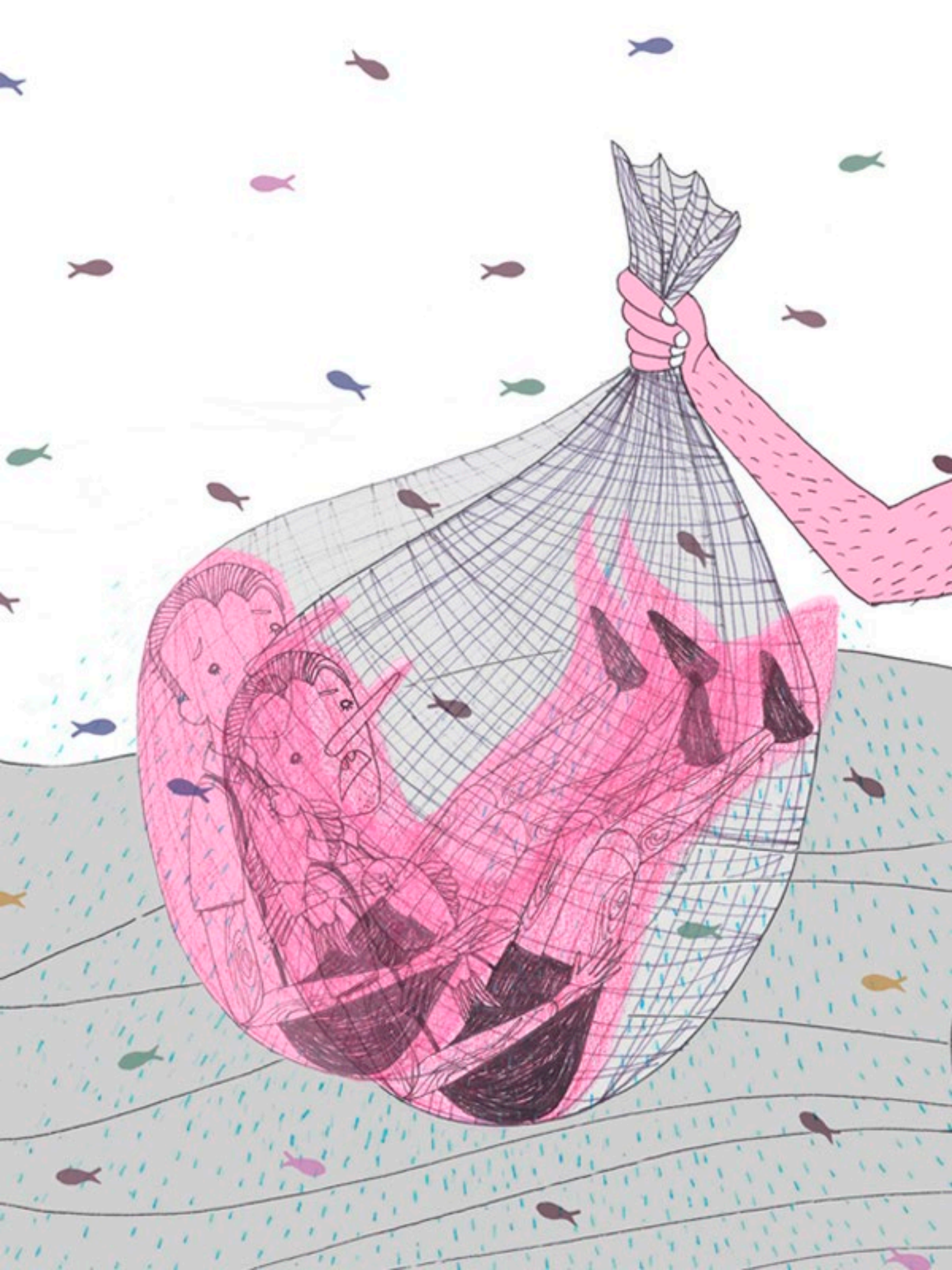
طراح صدا و آهنگساز: کسرا پاشایی، طراح تصویر و وِیدئو: گروه خوشابه

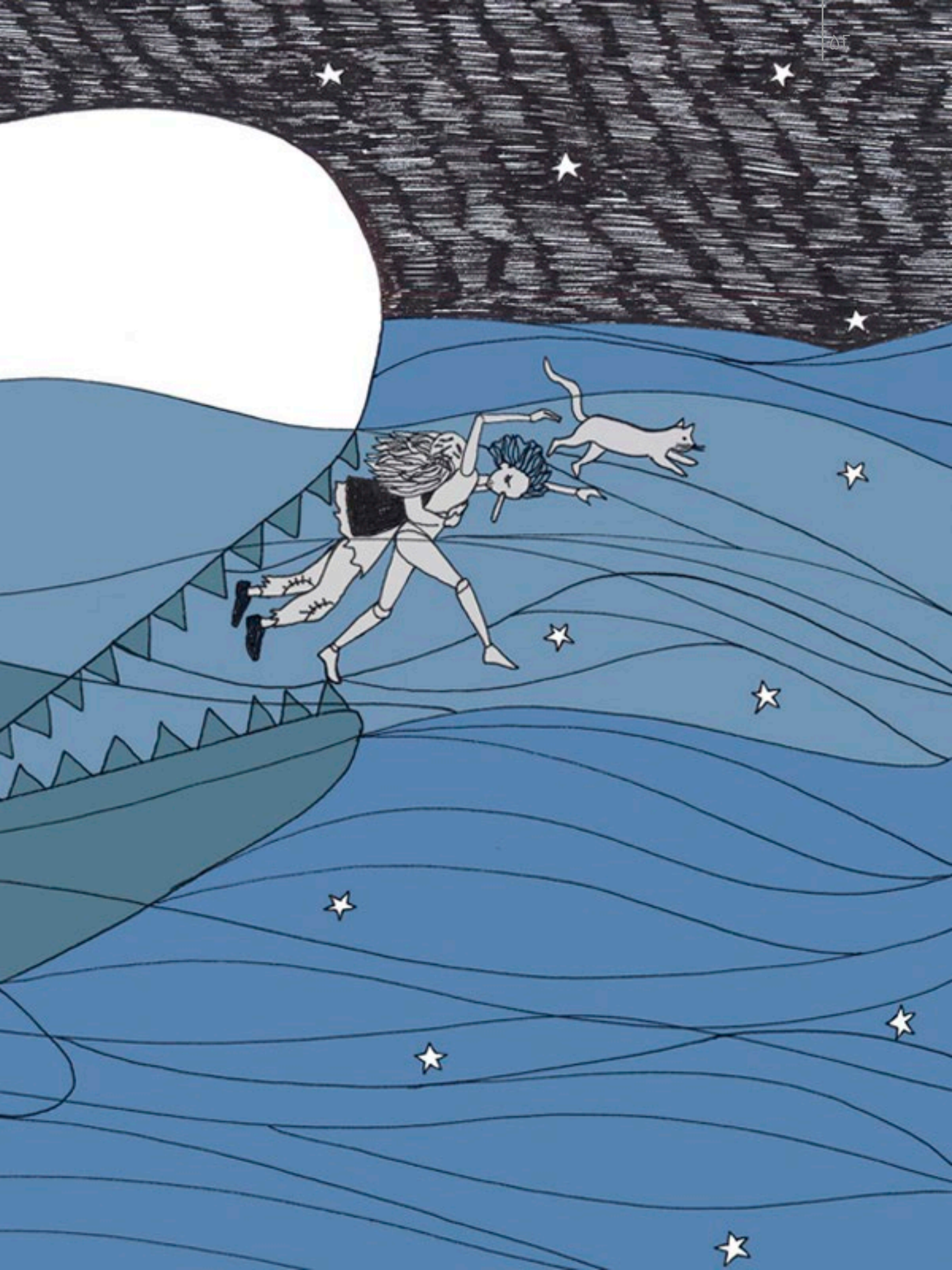
تماشاخانه موج نو، شهریور ۱۳۹۴، ساعت ۲۰

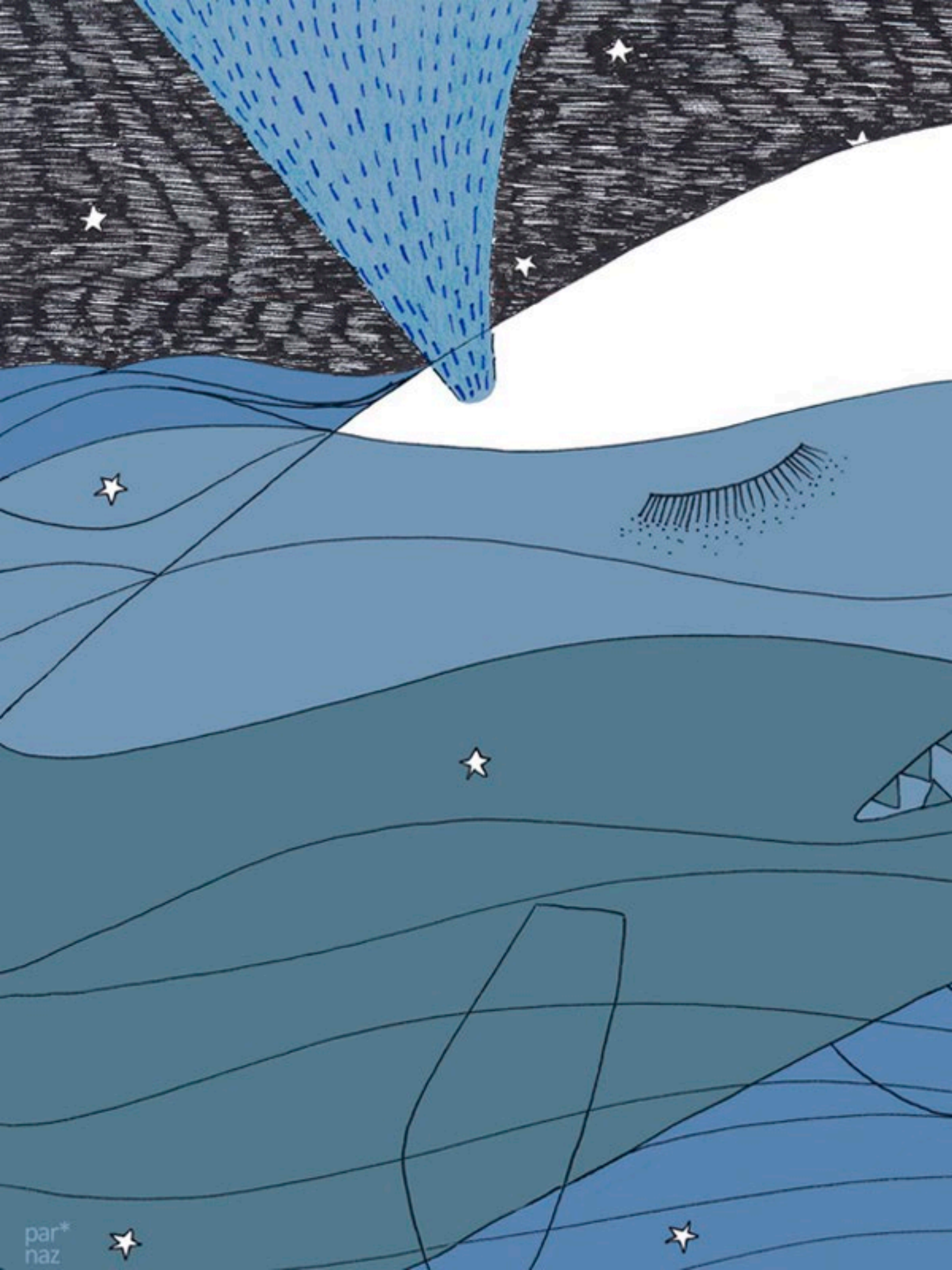
خیابان میرداماد، خیابان رودبار شرقی (شمالی)، پلاک ۵۷

رزرو بلیت: ۰۹۳۶۲۴۴۰۶۵۳، خرید اینترنتی: www.tik8.com


par*
naz






par*
naz



آیا همکاری کارفرمایان با شما در تئاتر و همچنین نشر که افرادی فرهنگی هستند حرفه‌ای است؟

- متأسفانه مشکلات زیادی در رابطه‌ی بین کارفرما و طراح در ایران وجود دارد. انجمن‌های صنفی و هنری تعاریفی را برای قراردادها و حقوق هنرمندان ارائه داده‌اند که در عمل هیچ‌کدام آن‌ها آن طور که شایسته است رعایت نمیشود. البته در بخش تئاتر و در بخش نشر، مشکلات بسیاری وجود دارد که شاید ابتدا باید به آن‌ها پرداخته شود تا بعد روابط کاری با صنف‌های هنری دیگر هم بهبود یابد.

آیا میشود به صورت حرفه ای به طراحی پوستر تئاتر و تصویرسازی کتاب در ایران پرداخت و آیا میتوان به عنوان یک شغل به آنها نگاه کرد؟ دغدغه شما به عنوان یک تصویرگر و طراح در این موارد چیست؟

- تصور نمیکنم در ایران بتوان رشته‌های هنری را به عنوان حرفه تا این حد تخصصی و محدود کرد. شاید درستش همین باشد که هر فرد در زمینه‌ای که در آن تبحر و علاقه‌ی بیشتری دارد کار کند؛ اما متأسفانه به دلیل مشکلات مالی در این بخش‌ها و نیز وجود استعدادهای زیاد در برابر سفارش‌های کم، هنرمند نمیتواند خودش را محدود به یک زمینه‌ی کاری خاص کند. هنرمندان زیادی را میشناسم که در چندین رشته فعالیت میکنند اما علاقه‌شان چیزی است که اصلن به عنوان شغل و حرفه نمیتوان روی آن حساب کرد. من هم امیدوارم روزی به آن اتوپیا برسیم که هر کس بتواند همان کاری را که دوست دارد انجام دهد و نگرانی شغلی هم نداشته باشد.




BOB DYLAN
parnaz
2013



و کلام اخر...

امیدوارم که تصویرسازی در ایران هم مثل کشورهای دیگر جایگاه خودش را پیدا کرده و از این میزان محدود شدن به حوزه‌ی نشر کودک نجات یابد. با وجود استعدادهای فراوان در ایران حیف است که سفارش‌دهنده‌ها در زمینه‌های دیگر مانند تبلیغات، طراحی پوشاک، طراحی گرافیک یا نشریات با مخاطبین بزرگسال، تصویرسازی را نادیده بگیرند و این در حالی است که ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهایی است که در آن کتاب تصویرسازی میشده و این هنر در کشور ما قدمت بسیار زیادی دارد.

IN DEPTH

Escape Artists: Why These 7 Creatives Disappeared from the Art World

In 1923, rumors circulated that renowned artist Marcel Duchamp was renouncing art to devote his life to chess. "I am still a victim of chess," he explained at the time. "It has all the beauty of art—and much more. It cannot be commercialized. Chess is much purer than art in its social position." Duchamp's retreat from the art world wasn't total, however. Instead, it gave him space, away from the distractions of the art scene and its attendant market pressures, to make his final work (in secret) for the last 20 years of his life.

Throughout history, many great artists have opted out, taken significant breaks, or withdrawn from the art world altogether—whether in search of a mind-clearing reprieve from commercial and social stresses, as with Agnes Martin, or as the final act of a practice animated by institutional critique, like Lee Lozano. Below, we take a look at seven such instances.



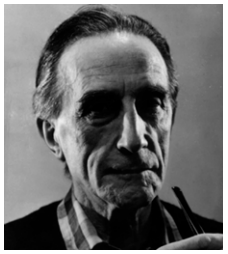
هفت هنرمند ناپدید شده

در سال ۱۹۲۳، شایعاتی دهان به دهان میچرخید مبنی بر اینکه هنرمند مشهور، مارسل دوشان هنر را انکار و زندگی‌اش را وقف بازی شطرنج کرده است. در آن زمان وی اظهار داشت: «کماکان یکی از قربانیان بازی شطرنج هستم. این بازی، همه زیباییِ هنر و چیزی بیش از آنرا در خود دارد. شطرنج نمیتواند بر خلاف هنر شکل تجاری به خود بگیرد. شطرنج در جایگاه اجتماعی‌اش بسیار ناب‌تر از امر هنر است.»

در طول تاریخ، بسیاری از هنرمندان بزرگ به کناره‌گیری، جدایی‌های معنادار یا منصرف‌شدن از دنیای هنر اقدام کردند. این کار را که روی هم رفته به دلیل پاک‌سازی ذهن خود از استرس‌های اجتماعی یا تجاری یا به مثابه انجام آخرین فعالیتِ سرزنده در نقد رسمی هنر بود، تاثیرات مختلفی را بر سایر هنرمندان و نیز دنیای هنر داشت. در ادامه، نگاهی به هفت نمونه مشهور از این هنرمندان خواهیم داشت.


R. Mutt
1917





Marcel Duchamp

1887 - 1968

مارسل دوشان: احتمالن از هم گسیخته‌ترین هنرمند تاریخ هنر یعنی مارسل دوشان، با افراطی‌ترین کارش یعنی رها کردن هنر به دلیل تب تندِ علاقه‌اش به بازی شطرنج در جهان مشهور شد. او به واسطه شمایل‌شکنی آثار هنری معروف (همچون مونا لیزای دا وینچی) و ارائه آثار عجیب (همچون کاسه توالت!!!) در سال‌های ابتدایی فعالیتش شهرت یافت. نقاشی‌هایی همچون «نزول عریان یک پله‌کان[1]» در سال ۱۹۱۳ در دنیای هنر رسوایی به بار آورد و اثر دیگرش «چشمه[2]» (۱۹۱۷) پیشابگاهی است که به مثابه یک مجسمه به مخاطبین ارائه شده است که توانست برای همیشه شیوه‌ای که ما هنر را خلق و تفسیر مینماییم را تغییر دهد. اما در اوائل سال ۱۹۱۸ دوشان شروع به کناره‌گیری تدریجی از جامعه هنری نمود؛ تغییری که با تصمیم وی مبنی بر کنارگذاشتن نقاشی به اثبات رسید. او تلویحن اظهار ورشکستگی نمود و گفت: «من هرگز حرارت و شور و اشتیاقِ یک نقاش حرفه‌ای را در خود نداشته‌ام. نقاشی‌کردن برای من چیزی بیش از یک ایده خیالی نبوده است.»

دوشان همچنین نسبت به هنر آوانگارد در پاریس اظهار تنفری بی‌سابقه نمود و به شکل استهزا آمیزی این جنبش را «سبد خرچنگ‌ها[3]» نامید. هنگامی که او پس از سال ۱۹۲۳ زمان زیادی را صرف بازی شطرنج نمود و حتی برای سال‌های متمادی با تیم ملی شطرنج فرانسه همکاری میکرد، به شکلی پنهانی در حال خلق آثار هنری و فعالیت هنری بود. در اتاق مخفی در روستای گرینویچ که تنها همسرش از آن اطلاع داشت برای مدت بیست سال (۱۹۴۶ تا ۱۹۶۶) با زحمت و تلاش فراوان بر روی آخرین شاهکارش «گاز روشنایی[4]» کار میکرد. او به شکلی مبهم «پدر معنوی جنبش ضد هنر[5]» است و با کناره‌گیری یا امتناع از امر هنر به صورتی خلاقانه در حال ستیزه‌جویی با آفرینش هنری است.

.....

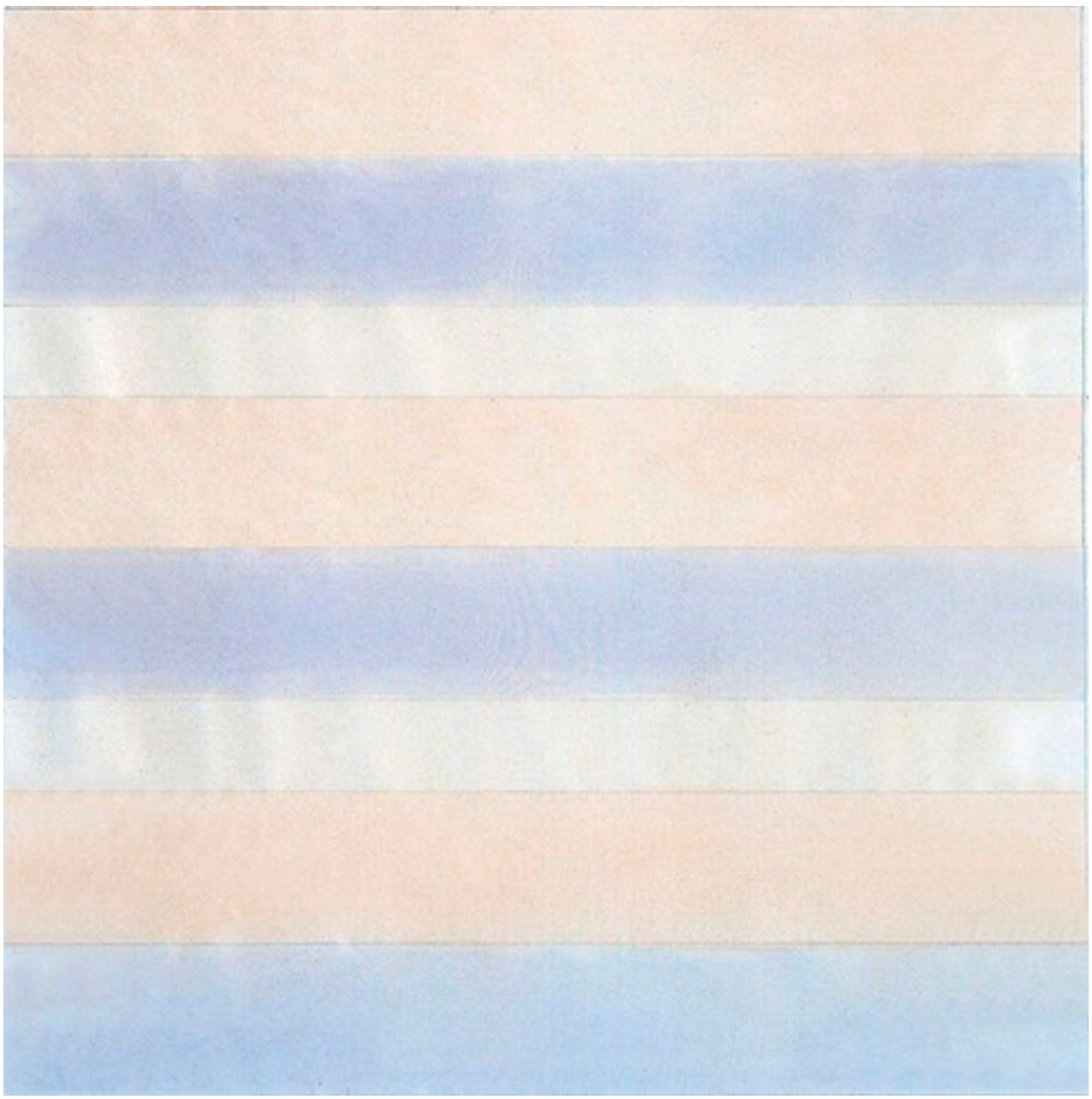
1- Nude Descending a Staircase

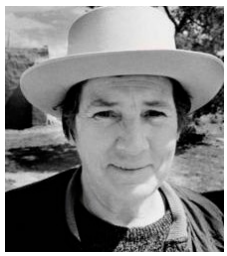
2- Fountain

3- a Basket of Crabs

4- Étant donnés

5- the father of anti-art





Agnes Martin

1912 - 2004

آگنس مارتین: مارتین به سرعت در دنیای هنر نیویورک در سال ۱۹۶۷ ناپدید گشت؛ او دقیقن پس از نقاشی‌های به وضوح مینیمالیستی‌اش، تحسین و تمجید فراوانِ گالری داری نظیر «بتی پارسونز[۶]» و هنرمندانی همچون «جاسپر جانز[۷]» و «الس وُرث کِلی[۸]» دریافت نمود. دو هنرمندی که همسایگان مارتین در یک استودیوی بهم ریخته پایین دستِ شهر نیویورک که «ساختمان کوئنتی‌ها[۹]» نام داشت، بودند. مارتین همیشه به شکلی گوشه‌گیرانه و خجالتی نسبت به نورافکن صحنه‌های هنر و به دور از کانون توجه، فعالیت هنری خود را انجام میداد. در آن زمان هنرمندان شلخته سبک اکسپرسیونیستِ انتزاعی چند ساختمان پایین‌تر در «کافه‌ی تاورن[۱۰]» در بخش شمالی محل زندگی مارتین، به دور هم جمع میشدند ولی او هیچگاه در این جمع‌ها شرکت نمیکرد. او بعدها درباره این گردهمایی‌ها گفت که: «در آنزمان بویژه در آمریکا واقعن شاهد جمع معترضی از هنرمندان بودیم، به نظر میرسید در ما چیزی در حال به وقوع پیوستن بود. بدلیل چیزی ناشی از یک حس بسیار سنگین مسئولیت‌پذیری همگی در حال فروریزی هستیم.» پس از یک وقفه‌ی هجده ماهه که در خلال آن، مارتین به پرسه‌زنی به گوشه و کنار آمریکا و زادگاهش کانادا پرداخت، او بار دیگر در ایالت نیو مکزیکو ظاهر شد و در سال ۱۹۷۱ به کار نقاشی پرداخت.»

«آرن گلیمخِر[۱۱]» دوست صمیمی مارتین تا هنگام مرگ وی در سال ۲۰۰۴ و نیز دلال آثار وی میگوید: «این فقط تنهایی بود که باعث شد او بار دیگر به طرف نقاشی کشیده شود». در واقع بدور از کانون بحرانی و ملتهب جریان آوانگارد دنیای هنر، او به آرامی ساختار شبکه محور آثار هنری خود را رشد بخشید و برخی از درخشان‌ترین و رنگارنگ‌ترین آثار نقاشی خود را خلق کرد که یکی از این آثار، «با بازگشت‌ام به دنیا[۱۲]» نام دارد.

.....

6- Betty Parsons

7- Jasper Johns

8- Ellsworth Kelly

9- Coenties Slip

10- Cedar Tavern

11- Arne Glimcher

12- With My Back to the World





Elaine Sturtevant

1924 - 2014

الین استورت‌وانت: این هنرمند اکنون به عنوان یکی از نیاکان برجسته جنبش «هنر تبدیلی[۱۳]» شناخته میشود و یا آنگونه که خود قبلن ترجیح داده این جنبش را با نام «بازگویی[۱۴]» تعریف مینماید. اگرچه زمانی در میانه دهه‌ی ۶۰ میلادی وی توسط هنرمندانی همچون «کلیس اولدنبورگ[۱۵]» بدنام گردیده بود، نیویورک را ترک گفته و برای حدود ده سال از فعالیت هنری دست کشید. «اولدنبورگ آماده کشتن من است. همه این مسائل باعث شده که با کله درون یک دیوار شیرجه بزنند». استورت این اظهارات را به مجله تایمز در سال ۱۹۶۹ گفته است، دقیقن دو سال پس از باز آفرینیِ «اینستالیشن نطفه‌ای هنرمندان پاپ آرت[۱۶]»، که چند ساختمان پایین تر از محل زندگی‌اش سر هم سوار شده بود. اگرچه برای استورت به مثابه یک پاسخ پیشگیرانه به خصومتی که او با آن مواجه شده بود و احساس نمود که شیوه کاری را تحلیل برده است اما وقفه‌اش همچون یک عقب نشینی طولانی مدت به شمار نمیرفت. او در سال ۱۹۸۹ گفت: «فکر نمیکنم با ابراز خصومت در کارم موفق شوم، اما تصور میکنم باید با آن شجاعانه مبارزه کنم.»

استورت سرانجام با کار جدیدش در سال ۱۹۸۶ بار دیگر در انظار عمومی شهر نیویورک و در موزه «ستونهای سفید[۱۷]» ظاهر گشت و تا پایان عمر به خلق آثار هنری پرداخت. بعدها آثاری همچون«ویدئو کپیِ بدون منبع[۱۸]» و «خود به مثابه امری ناپیدا[۱۹]» تولید شد که به روابط مابین دوران کناره‌گیری وی از دنیای هنر و علاقه‌ی بی حد و حصر او به موضوعات هویت و اصالت اشاره میکند.

13- Appropriation Art

14- Repetition

15- Claes Oldenburg

16- the pop artist's seminal

17- White Columns installation-cum-shop

18- video Copy without Origins

19- Self as Disappearance



("quote"): sound of "daisy" fading in background followed by sound of "also sprach zarathustra" (r. strauss) followed by sound of "the blue danube" (j. strauss) - soundtrack, 2001 (s. kubrick)

GENERAL STRIKE PIECE (STARTED FEB. 8, 69)*

GRADUALLY BUT DETERMINEDLY AVOID BEING PRESENT AT OFFICIAL OR PUBLIC "UPTOWN" FUNCTIONS OR GATHERINGS† RELATED TO THE "ART WORLD" IN ORDER TO PURSUE INVESTIGATION OF TOTAL PERSONAL & PUBLIC REVOLUTION.° EXHIBIT IN PUBLIC ONLY PIECES WHICH FURTHER SHARING OF IDEAS & INFORMATION RELATED TO TOTAL PERSONAL & PUBLIC REVOLUTION.ϟ

IN PROCESS AT LEAST THROUGH SUMMER, '69.

*withdrawal from 3-man show compiled by richard bellamy, goldowsky gallery, 1078 madison ave.

†date of last visit to uptown galleries for perusal of art - feb. 13 or 14, 69
" " " " " a museum - march 24, 69
" " " " " uptown gallery opening - march 15, 69
" " " " " a bar - april 5, 69
" " " attendance at a concert - april 18, 69
" " " " " " film showing - april 4, 69
" " " " " an "event" - april 18, 69
" " " " " a big party - march 15, 69

°terms of total personal & public revolution set forth in brief statement read at open public hearing, art workers coalition, school of visual arts, april 10, 69. further participation in art workers coalition or any other group declined as part of general strike piece, this includes artists against the expressway group & others.

ϟfirst piece exhibited at art/peace event, n.y. shakespeare festival, public theater, march 5, 69. grass piece & no-grass piece exhibited in number 7 show compiled by lucy lippard, paula cooper, may 18, 69. investment piece & cash piece exhibited in language III show, dwan gallery, may 24, 69.



Lee Lozano

1930 - 1999

لی لوسانو: این هنرمند به شکل متهورانه‌ای با نقاشی‌های ویرانگرش از ماشین‌های حلقوی که به اندام‌های بدن شباهت داشتند دنیای مردسالاری هنر را در دهه ۶۰ میلادی به چالش کشید. اگرچه در پایان این دهه، وی شروع به کار روی یکی از آثارش یعنی «ترک تحصیل کرده[۲۰]» نموده بود ولی قصد داشت با ارائه‌ی آن کاملن از محیط هنری شهر نیویورک جدا شود؛ جایی که وی در آنجا به یکی از اعضای اصلی‌اش مبدل شده بود. با وجود موفقیت‌هایش در شهر، بدلیل خودبینی بیش از حدِ دنیای هنر و بلایی که بر سر اثرش یعنی «قطعات زبان[۲۱]» (۱۹۶۷-۱۹۷۱) آمده بود، به سرعت شیفتگی‌اش نسبت به محیط هنری آنجا را از دست داد. قطعات زبان، مجموعه‌ای از آثار مفهومی بود که به مثابه یک هجوم سیستماتیک و البته وحشیانه به نقص‌های سیستم تجاری دنیای هنر، بیانی مضاعف یافته بود. او در یادداشت‌های روزانه‌اش در سال ۱۹۶۸ نوشته است: «هنرمند؛ منتقد، دلال و دوستان موزه. در حقیقت تقریبن همه افراد؛ من هنوز میتوانم در بوی بد دهان شما قوانین افراد دیگری را تشخیص دهم که آنرا از مدت‌ها قبل بلعیده بودید!»

این احساس منجر به خلق اثر او یعنی «حرکت همراه با تهاجم عمومی[۲۲]» گردید؛ آنهم به صورتی که او کناره‌گیری از دنیای هنر را به شکل یک دوره زمانی تا آخرین حضورش، صورتی واقعی بخشید: آخرین بار حضور در یک افتتاحیه ۱۵ مارس، آخرین جشن بزرگ ۱۵ مارس، آخرین بازدید از موزه ۲۴ مارس و بعد از آن در سال ۱۹۷۱ یکسال پس از برگزاری نمایشگاه انفرادی‌اش در «موزه ویتنی[۲۳]»، تصمیم خود مبنی بر تحریم کردن زنان را عملی کرد؛ این کار اعتراضی بود نسبت به ناامید شدن وی از جنبش فمنیست. در همین حال اثر خود یعنی «ترک تحصیل کرده» را آغاز کرد که در کناره‌گیری کاملِ وی از دنیای هنر و پایان شیوه‌ی هنری‌اش مقارن گشت. اثر هنری لوسانو برای مدت زیادی به دست فراموشی سپرده شد. تاثیر وی به عنوان یک مینیمالیست و یک پیشگام هنر مفهومی اخیرن احیا شده است و نام وی در زمره هنرمندان برجسته همچون «ویتو آکوناچی[۲۴]» و «آدریان پایپر[۲۵]» قرار گرفته است؛ دو هنرمندی که در کار خود نقد رسمی را با تجربه شخصی اولیه آمیخته کرده‌اند.

20- Dropout Piece

21- Language Pieces

22- momentum with General Strike

23- Whitney Museum

24- Vito Acconci

25- Adrian Piper





Charlotte Posenenske

1930 - 1985

شارلوت پوزنسک: در سال ۱۹٦۸ تقریبن بعد از ده سال ممانعت از نمایش مجسمه‌های مینیمالیستی افراطی‌اش در کنار آثار افرادی همچون «دونالد جاد[۲۶]»، «کارل آندره[۲۷]» و «دَن فلاوین[۲۸]»، شارلوت به دلیل آنچه ناتوانی در امور سیاسی و اجتماعی میدانست، به سرزنش کردن آفرینش هنری پرداخت و آنرا کنار گذاشت. «گرچه فعالیت‌های هنری در گام هایی بلند رو به گسترش است، ولی فعالیت های مدنی به دست فراموشی سپرده شده است. براي من بسی دشوار است که در این دوره با این واقعیت روبرو شوم که هنر از حل مشکلات بغرنجِ جامعه ناتوان است.» او این مطلب را در مانیفست خود در سال ۱۹٦۸ دقیقن پیش از خروجش از دنیای هنري منتشر کرد.

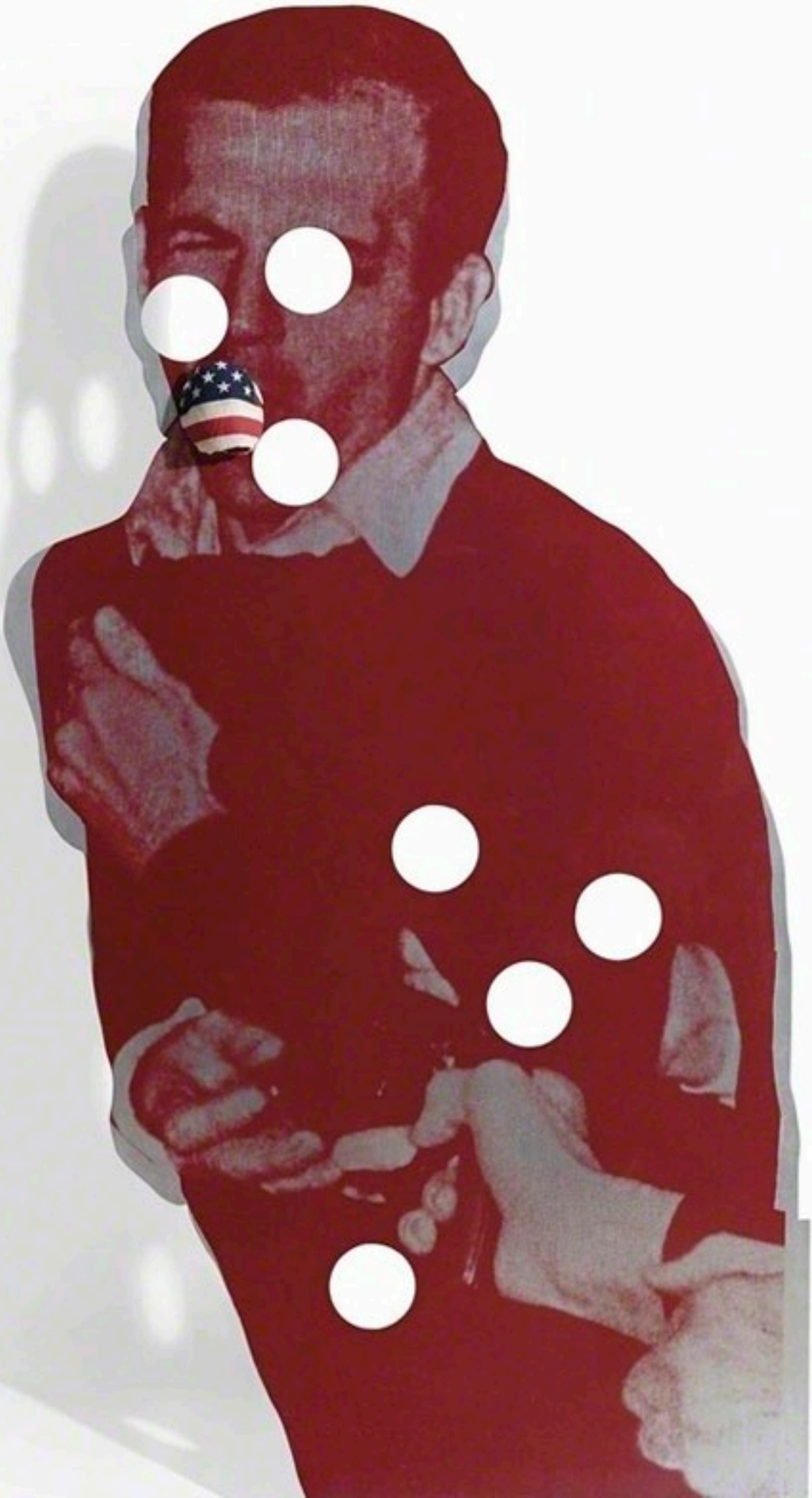
در حالي که پوزننسک مابقی دوران زندگی را وقف جامعه‌شناسی نمود، پشت سر خود مجموعه‌ای از آثار هنری و نوشتارهای قدرتمندش را به جای گذاشت که توانست بر جهت‌گیری هنرمندان مینیمالیست و هنر مفهومی تاثیر بسزایی بر جای بگذارد و آنها را به سوی تفسیر و نقد مسائل اجتماعی هدایت کند. مجسمه‌های کشیده و لبه دار او از باقیمانده ضایعات صنعتی روزمره همچون ورق‌های گالوانیزه و مقواهای نازک خلق شده بودند که هر کسی میتوانست در آن ویژگی ذاتگرایانه و دموکراتیک همیشگی در آثار شارلوت را تشخیص دهد و این آثار را تلاشی در جهت آشتی‌دادن هنر با درگیری‌های اجتماعی به شمار آورد.

.....

26- Donald Judd

27- Carl Andre

28- Dan Flavin







Cady Noland

1956 - ...

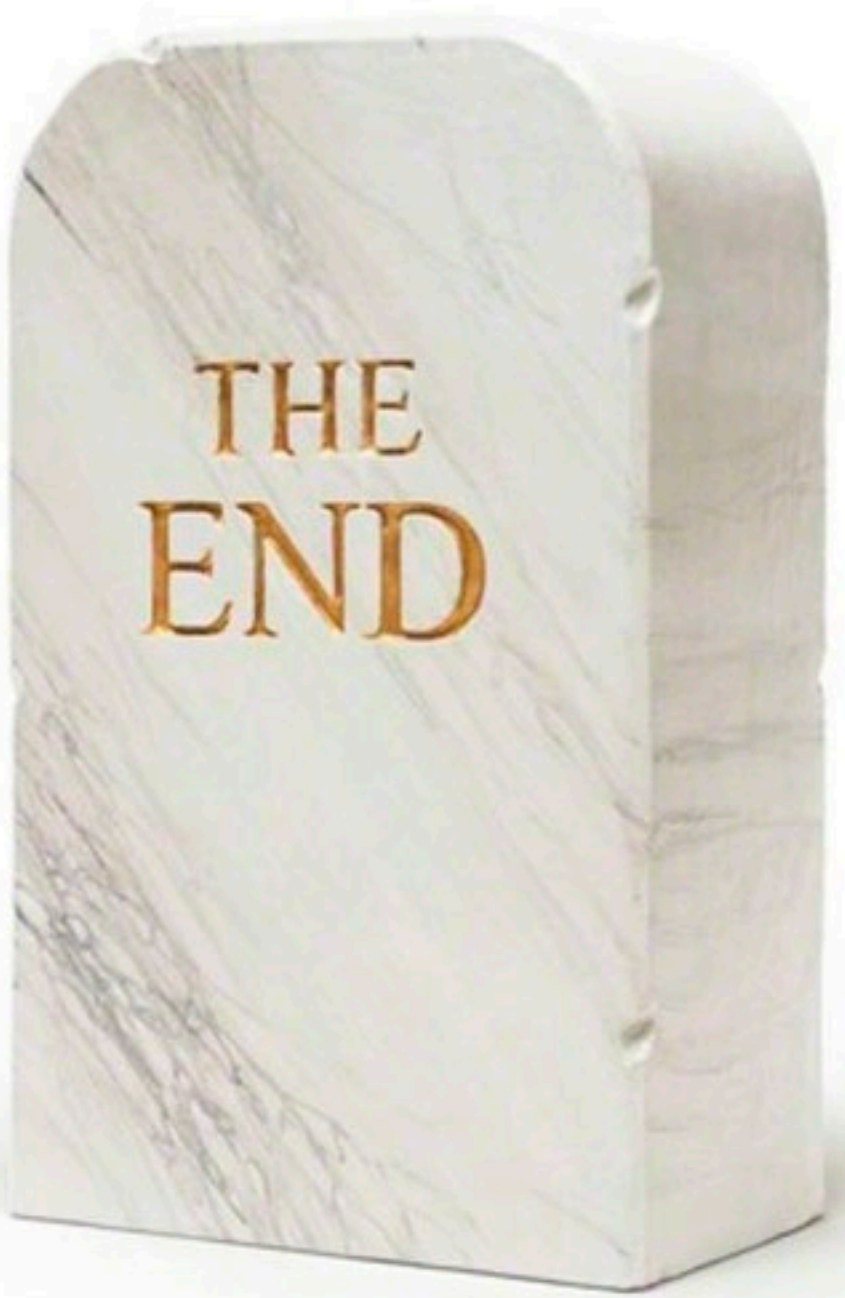
کدی نولان: پس از اتمام نمایشگاه نولان در موزه «ستون‌های سفید[۲۹]» شهر نیویورک در سال ۱۹۸۸، او بیش از شش پرزانته انفرادی در دو سال بعد از آن ارائه کرد و این یعنی یک پیشرفت مافوق تصور. اما در سال ۱۹۹۹ و در آستانه چهل و سه سالگی‌اش، او از آنچه باعث شهرتش در آخرین نمایشگاهش شد پرده‌برداری کرد. از آغاز، مجسمه‌های نولان و اینستالیشن‌های غول پیکرش به دلیل بیزاری اش از تاثیرگذاری تجاری، رسانه و گرایشات بیمارگونه به امر شهرت در فرهنگ آمریکا خلق میشدند. در یکی از این مجموعه‌ها، وی تصویر افراد مشهور (بازیگران، ورزشکاران و ...) به قتل رسیده یا طرد شده را چاپ و بر روی ورق‌های فلزی حک کرده و به شکل طعنه‌آمیزی بر روی هر کدام از آنها، تصاویر پرچم آمریکا را منگنه یا نقاشی نمود.

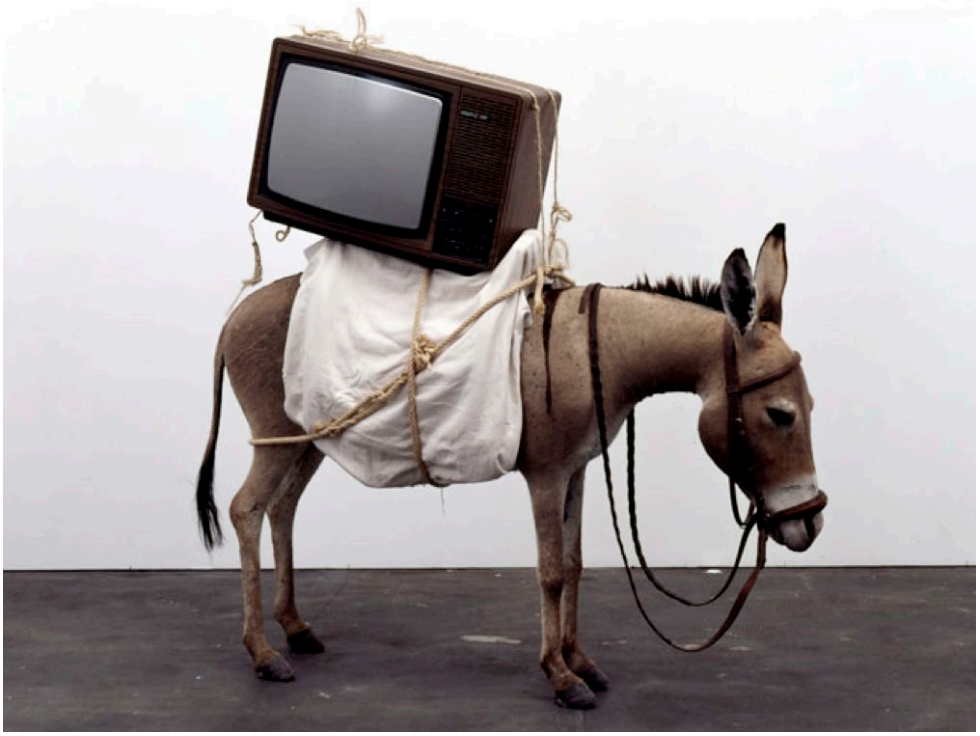
او در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۹۰ اظهار داشت: «در موقعیتی که آثارم را خلق کردم ناگهان به این مطلب علاقه‌مند شدم که مردم چگونه با دیگر افراد به مثابه اشیا رفتار میکنند.» این احساس بطور فزاینده‌ای با حس نفرت وی از موقعیت تجاری دنیای هنر و جایگاه وی به عنوان یک شخص مشهور در هم آمیخته شد و این حس با کناره‌گیری از دنیای هنر به سال ۱۹۹۹ تقویت میشد. هنگامی که موسسات و گالری‌ها آثار وی را در معرض نمایش گذاشته بودند، این کار را بدون حضور و شرکت وی به انجام رساندند و چنانچه بنا بر یک موقعیت کمیاب ناگهان اثری از وی در معرض نمایش قرار میگرفت، عبارتی طعنه‌آمیز از خود نولان به آن اضافه میشد: در سال ۲۰۱۴ یک پلاکارد در کنار اینستالیشن او در موسسه‌ای چنین آورده که: « هنرمند یا کدی نولان (سی. اِن[۳۰]) اجازه یا موافقت خود را با نمایش این اثر اعلام نکرده است.»

.....

29- New York's White Columns

30- C.N.


THE
END





Maurizio Cattelan

1960 - ...

مائوروزیو کاتلان: آخرین اقدام کاتلان به عنوان یک هنرمند حداقل به شکل تئوری، هنگامی انجام گرفت که وی تمام دهن کجی‌هایش از سال ۲۰۱۱ را یکجا جمع کرد و به سقف موزه گوگنهایم آویخت: «آیا همیشه احساس خستگی میکنی و میخواهی حرفه‌ات را تغییر دهی؟» او این پرسش را در استیتمنتی که برای اعلام بازنشستگی‌اش اعلام کرده بود پرسید؛ «اگر شما در یک گروه بودید، ممکن بود احساس کنید که در حال شروع کردن به تکرار خودتان هستید».

پیشینه تهاجمی این هنرمند که به وی کمک کرد تا رابطه بین زیبایی‌شناسی و موج جدیدی از هنر مفهومی را شکل ببخشد و نیز مفهوم مجسمه و تفسیر اجتماعی را با هم ترکیب کند، با ویژگی‌های غافلگیری و نمایشی بودن مشخص شده است.

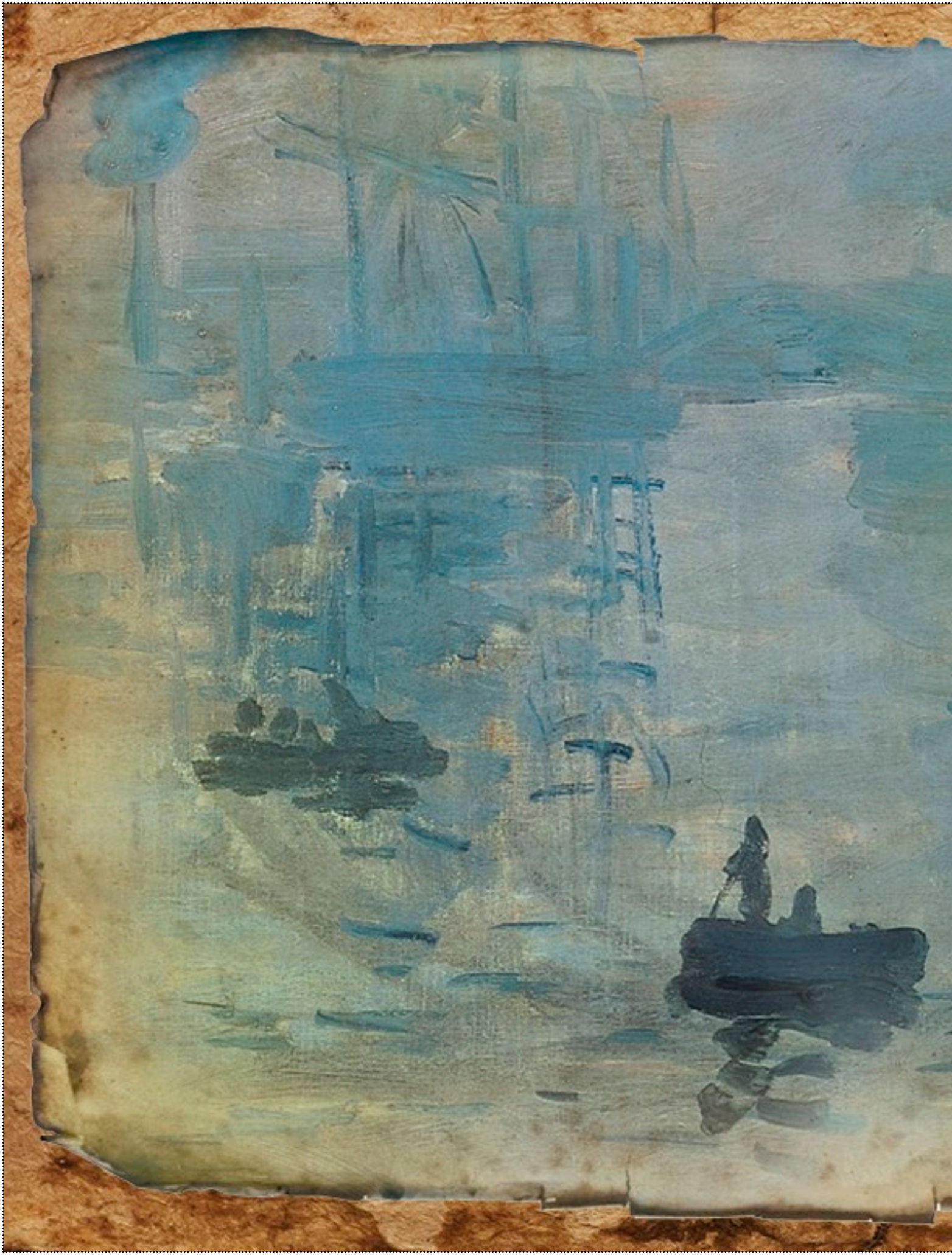
او درباره اعلام بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۱۵ گفته است: «من وانمود کردم که مُرده‌ام اما هنوز هم میتوانم ببینم و بشنوم که در اطرافم چه میگذرد». آثارم آنجا بودند و برای کارشناسان و متصدیان برپایی نمایشگاه‌ها، برای آزمودن استقامت‌شان، برای اندازه‌گیری پتانسیل هنری‌شان قابل دسترسی‌اند و تابحال من نخواسته‌ام مزاحم این تجربیات آنها شوم.» اگرچه، بعد از نمایش یکی از آثار جدید کاتلان در مانیفست شماره یازده در ماه ژوئن؛ (یک ویلچر که دورتادور دریاچه زوریخ را مانند داستان‌های کتاب مقدس سفر کرده است) به نظر میرسد که وقفه کوتاه مدت او، در نوع خود اثری هنری بود و شاید الهام بخشِ آثار بلندپروازانه وی در آینده باشد.

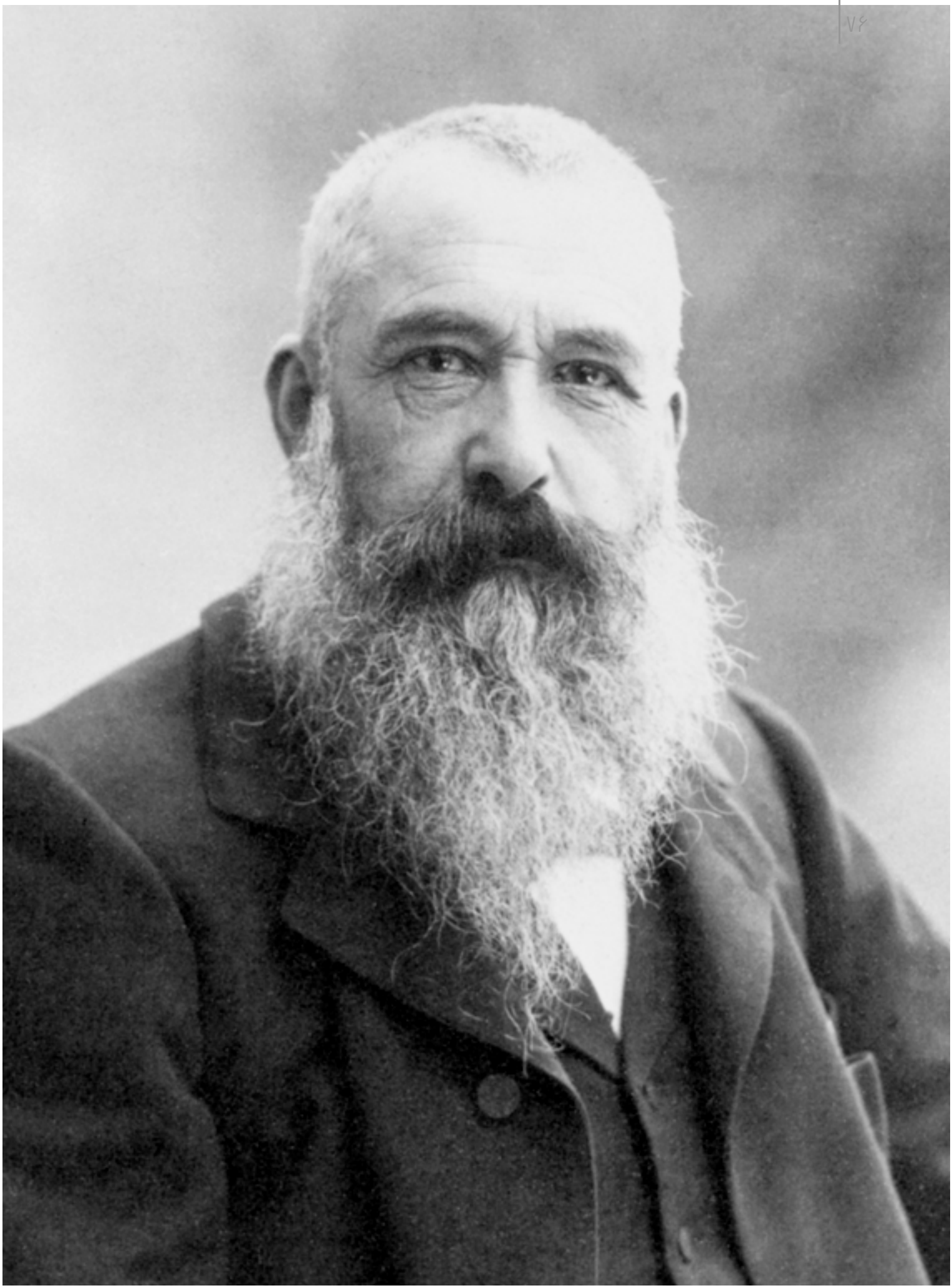
Claude Monet

Claude Monet was born on November 14, 1840, in Paris, France. He enrolled in the Academie Suisse. After an art exhibition in 1874, a critic insultingly dubbed Monet's painting style "Impression," since it was more concerned with form and light than realism, and the term stuck. Monet struggled with depression, poverty and illness throughout his life. He died in 1926.

امپرسیونیست‌ها: کلود مونه

«کلود مونه» در چهاردهم نوامبر ۱۸۴۰ میلادی در شهر پاریس دیده به جهان گشود. وی در آکادمی هنری سوئیس ثبت نام کرد. پس از برگزاری نمایشگاهی هنری در سال ۱۸۷۴ بدلیل استفاده از عنصر نور به جای نمایش واقعی (رئال) سوژه ها و خطوط در آثار خود، یک منتقد هنری به شکلی توهین آمیز به سبک وی نام «امپرسیون» را اطلاق نمود و این عنوان بعدها در یک جریان هنری بسیار مهم، تاثیرگزار شد. مونه در تمام طول عمرش با مسائلی همچون افسردگی، فقر و بیماری دست و پنجه نرم میکرد. او در سال ۱۹۲۶ میلادی درگذشت.







Self Portrait With A Beret -1886

■ سالهای ابتدایی زندگی و پیشه

یکی مشهورترین نقاشان تاریخ هنر جهان و یکی از تاثیرگذارترین شخصیتهای جنبش هنری امپرسیونیسم که میتوان شاهکارهایش را در موزه های سراسر دنیا مشاهده کرد مردی است به نام «اُسکار کلود مونه[1]» که در چهاردهم نوامبر ۱۸۴۰ میلادی در شهر پاریسِ فرانسه متولد شد. پدر کلود، مردی بود به نام «آدولف» که در هنگام کار در ناوگان تجاری خانوادگی شان، همسرش لوئیس وظیفه ی مراقبت از خانواده را بر عهده میگرفت. لوئیس یک خواننده حرفه ای بود که به شعر علاقه فراوان داشت و البته در کنار تمامی این هنرها، کدبانویی محترم نیز به شمار میرفت.

مونه در سال ۱۸۴۵ زمانی که تنها ۵ سال داشت به همراه خانواده اش به شهر «آور[2]»، شهر بندری کوچکی در منطقه نُرماندی[3] نقل مکان کردند. او در آنجا همراه با برادر بزرگترش «لئون» بزرگ شد. بر اساس مستندات تاریخی کلود با وجود اینکه یکی از شاگردان محجوب و آرام کلاس به شمار میرفت اما علاقه ای به حضور در کلاس نداشت. او بیشتر علاقه مند بود تا وقت خود را در بیرون از کلاس بگذراند. او در سنین کم عشق به طراحی را در وجود خود پرورش داد. مونه کتابهای درسی خود را با تصاویر و پیش طرحهایی از افراد مختلف همچون کاریکاتورهایی از معلمین خود پر میکرد.

1- Oscar Claude Monet

2- Le Havre

3- Normandy Region

درست در زمانی که مادر مونه از تلاشهای فرزندش حمایت مینمود، پدرش از وی خواست تا وارد دنیای تجارت گردد. مونه پس از مرگ مادرش در سال ۱۸۵۷ متحمل تالمات روحی فراوانی گشت. در جامعه کوچک محدوده آور، مونه به واسطه خلق کاریکاتورها و تصاویر ساکنین این شهر مشهور گردید. پس از ملاقات با «اوژن بودَن[۴]» که یک هنرمند محلی منظره نگار به شمار میرفت، مونه شروع به کشف و بررسی جهانِ طبیعت در آثار خود نمود. بودَن، نقاشِ جوان را با نقاشی مناظر بیرون، طبیعی و فضای آزاد آشنا کرد؛ موضوعاتی که بعدها به بنیان و اساس نقاشی مونه مبدل شدند.

مونه به سبب دنبال کردن علایق هنری اش در سال ۱۸۵۹ تصمیم گرفت تا به پاریس نقل مکان کند. در آنجا وی به صورت جدی تحت تاثیر نقاشی‌های «مدرسه باربیزون[۵]» قرار گرفت و به عنوان یک هنرجو در آکادمی هنر سوئیس ثبت نام نمود. در خلال این مدت بود که او با دوست صمیمی اش «کامیل پیسارو[۶]» آشنا شد و دوستی آنها تا سال های طولانی ادامه یافت.

از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۲ مونه به عنوان سرباز وظیفه در شهر الجزیره (الجزایر) که مستعمره فرانسه به شمار میرفت مشغول به خدمت گردید، اما به دلیل نداشتن سلامت جسمانی کافی از ادامه خدمت سربازی معاف شد. پس از بازگشت به پاریس، مونه با دوستی به نام «شارل گِلِر[۷]» به ادامه تحصیل پرداخت. بواسطه گلر، مونه با هنرمندان متعدد دیگری همچون «آگوست رنوار[۸]»، «آلفرد سیسلی[۹]» و «فردریک بازیل[۱۰]» آشنا شد. این چهار نفر بزودی تبدیل به دوستانی صمیمی گردیدند. همچنین مونه حمایت و راهنمایی هایی از «جان بارتولد جانگکایند[۱۱]» را بدست آورد؛ نقاش منظره نگاری که یکی از مهمترین تاثیرات هنری را بر هنرمند جوان بر جای نهاد.

4- Eugene Boudin
5- Barbizon School
6- Camille Pissarro
7- Charles Gleyre
8- Auguste Renoir
9- Alfred Sisley
10- Frederic Bazille
11- Johann Barthold Jongkind



Bouquet of Sunflowers - 1881



The Woman in the Green Dress, Camille Doncieux, 1866

مونه به کار در هوای آزاد علاقه مند بود و گاهی اوقات رنوار، سیسلی و بازیل در این کار وی را همراهی میکردند. مونه در سال ۱۸۶۵ به انتخاب هیئت داوران در یک نمایشگاه هنری برنده بورسیه تحصیلی «سالنِ پاریس[۱۲]» گردید. در این نمایشگاه دو اثر از کارهای وی انتخاب شد که هر دو مربوط به مناظری دریایی بوند. مونه با وجود دریافت تحسین و ستایش منتقدان، هنوز ذهنش درگیر و دار مسائل تجاری بود.

سال بعد مونه باز هم برای شرکت در نمایشگاه سالن پاریس انتخاب شد. در این زمان برگزارکنندگان نمایشگاه، یک منظره و یک تک چهره از کامیل را انتخاب نمودند (که این تک‌چهره، زن سبزپوش نامیده میشود) که نمایش دهنده ی «کامیل دونسیو[۱۳]»، معشوقه ی نقاش و البته همسر آینده وی بود. انتخاب دونسیو ناشی از طبع فروتن مونه بود و مادام کامیل به شکل قابل توجهی از هنرمند کم سن و سال تر بود.کامیل منبع الهام مونه به شمار میرفت که در طول عمرش در نقاشی های فراوانی از مونه ظاهر شده است. این زوج جوان به هنگام تولد نخستین فرزندشان «ژان» در سال ۱۸۶۷ ، متحمل رنج فراوانی شدند. مونه در تنگنای مالی سختی به سر میبرد و پدر وی بیرحمانه از کمک به او و خانواده اش امتناع میورزید. مونه که بواسطه این موقعیت دشوار به سختی دلشکسته و اندوهگین شده بود تلاش کرد تا در سال ۱۸۶۸ خود را در رودخانه سِن غرق کند.

خوشبختانه مونه و همسرش کامیل بزودی موفق شدند شانس مناسبی بدست آورند: «لوئ ژواکیم گودیبِر[۱۴]» مبدل به حامی آثار مونه گردید که باعث شد تا مونه با فراغ بال به کار هنری و کسب درآمد برای خانواده اش بپردازد. مونه و کامیل به صورت رسمی در ژوئن سال ۱۸۷۰ ازدواج کردند و پس از وقوع جنگ فرانسه و پروس در سال ۱۸۷۲، همراه با فرزندشان به لندن گریختند. مونه در آنجا «پل دوران روئل[۱۵]»، نخستین دلال آثار هنری اش را ملاقات نمود. پس از بازگشت به فرانسه و بعد از اتمام جنگ در سال ۱۸۷۲، مونه سرانجام در «آرژنتوی[۱۶]» که یک شهر صنعتی کوچک در غرب پاریس بود سکنی گزید و در آنجا شروع به پرورش تکنیک شخصی اش در نقاشی نمود. در خلال اقامت در آرژنتوی، مونه دوستان هنرمند فراوانی همچون آگوست رنوار، کامیل پیسارو و «ادوارد مانه[۱۷]» را ملاقات نمود که خود مونه بر اساس آخرین مصاحبه اش اظهار داشته در ابتدا از مانه متنفر بود تنها به این دلیل که مردم میگفتند به دلیل تشابه اسمی آنها همیشه دچار اشتباه میشوند!

با همراهی دیگر دوستان هنرمند، مونه به شکل گیریِ «انجمن هنرمندان ناشناس[۱۸]» که شامل نقاشان، مجسمه سازان و گروارسازان فراوانی میشد کمک فراوانی نمود که این انجمن به نوبه خود جایگزینی برای نمایشگاه سالن پاریس به شمار میرفت که آثار ایشان را در معرض بازدید عموم قرار میداد.

مونه گاهی اوقات از آثار خود بشدت ناامید و سرخورده میشد. بر اساس برخی گزارشات، او شمار فراوانی از نقاشی های خود را که بر طبق برآورد حدود ۵۰۰ اثر مختلف را شامل میگردد را نابود نمود. او براحتی آثار خود را تکه تکه، سوزانده و یا به بیرون میانداخت. علاوه بر این، بواسطه انفجارات و کشمکش های روحی، از او به عنوان شخصی افسرده و فاقد اعتماد به نفس کافی نامبرده شده است.

.....

12- Annual Juried Art Show In Paris

13- Camille Doncieux

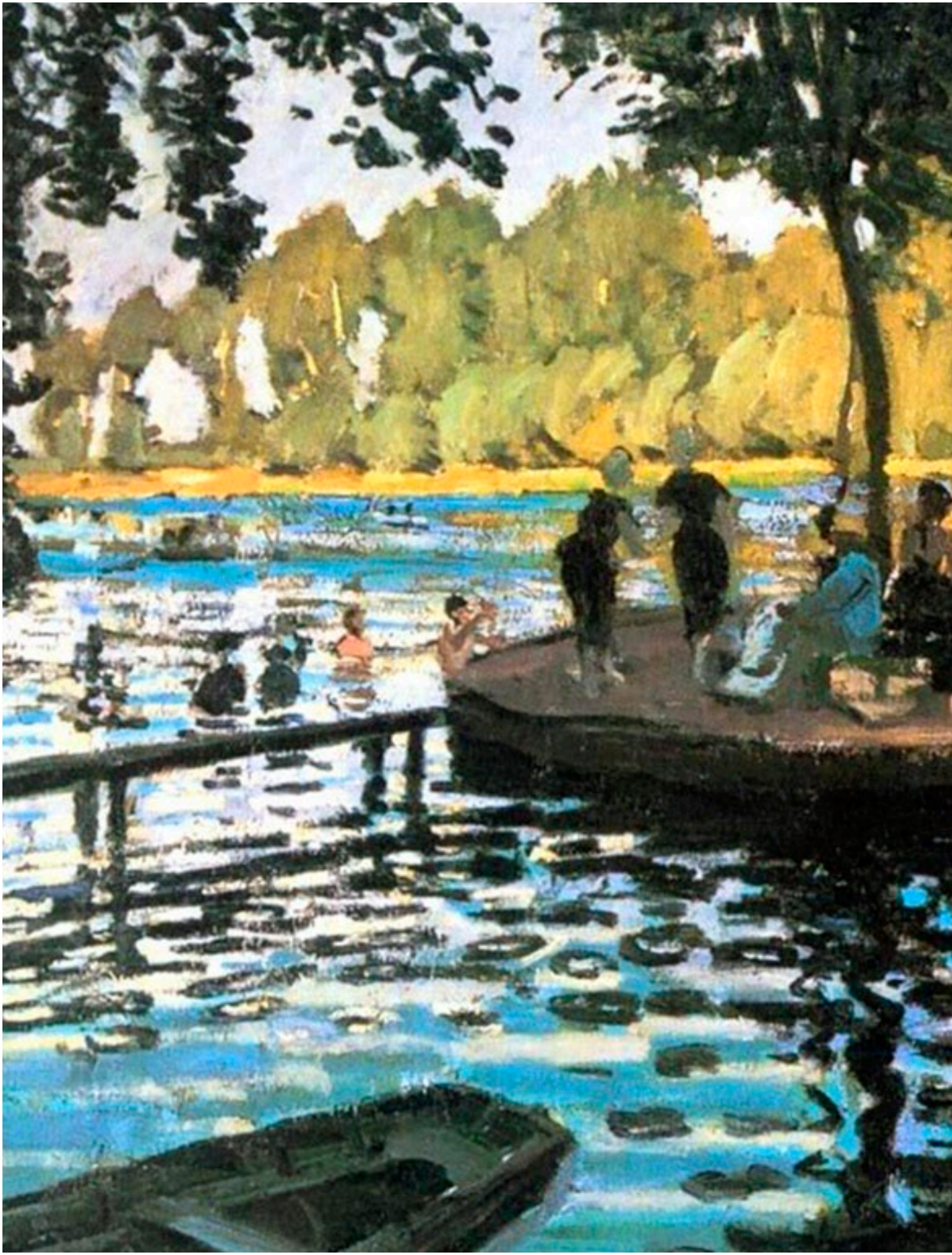
14- Louis-Joachim Guadibert

15- Paul Durand-Ruel

16- Argenteuil

17- Edouard Manet

18- the Société Anonyme des Artistes



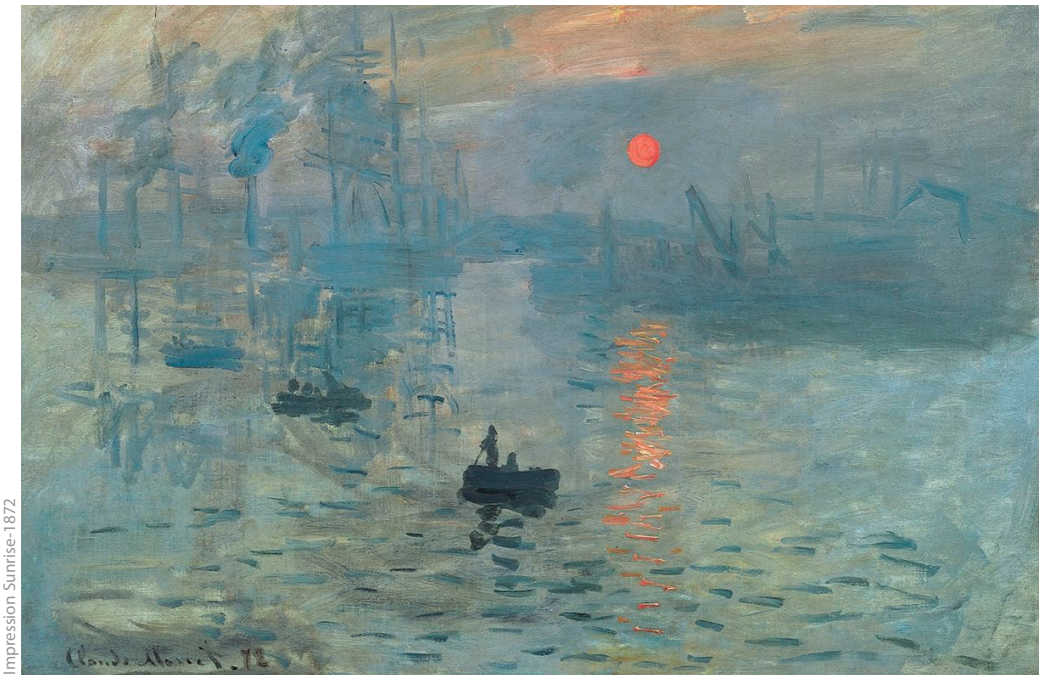
La Grenouillère-1869



The Cliffs at Etretat -1885



Mouth of the Seine, 1865



Impression Sunrise-1872

■ استادِ نور و رنگ

در نمایشگاه سال ۱۸۷۴، انجمن ثابت کرد که در حال فعالیتی انقلابی است. یکی از برجسته ترین آثار مونه در این نمایشگاه «امپرسیون، طلوع آفتاب[۱۹]» نام داشت که در آن، بندرِ آور را در یک صبح مه آلود به تصویر کشیده بود. منتقدین برای نامیدن این گروه از هنرمندان به طعنه نام «امپرسیونیست ها[۲۰]» را برایشان انتخاب کرده و اظهار داشتند که آثار آنها بیش از آنکه شبیه به یک اثرِ نقاشی تکمیل شده باشد به پیش طرح هایی ناقص شباهت دارد.

در حالی که ظاهرن این نام معنای توهین آمیزی داشت اما به طرز شگفت انگیزی مناسب به نظر میرسید. مونه با استفاده از رنگهای درخشان و بیانگر و نیز ضربات سریع و کوتاهِ قلم مو شروع به دریافت ماهیت واقعی طبیعت در آثارش نمود. او و معاصرینش از رنگ های تار و یکنواخت هنر کلاسیک رویگردان شدند. مونه همچنین عناصری از صنعت را در منظره هایش جای داد و جنبش امپرسیون را به جلو راند و باعث شد تا این جنبش مطابق با زمانه اش شناخته شود. مونه پس از نخستین نمایشگاه، مونه با امپرسیونیست ها در سال ۱۸۷۴ شروع به برگزاری نمایشگاه های متعددی نمود که اینکار تا سال های دهه ۱۸۸۰ ادامه یافت.

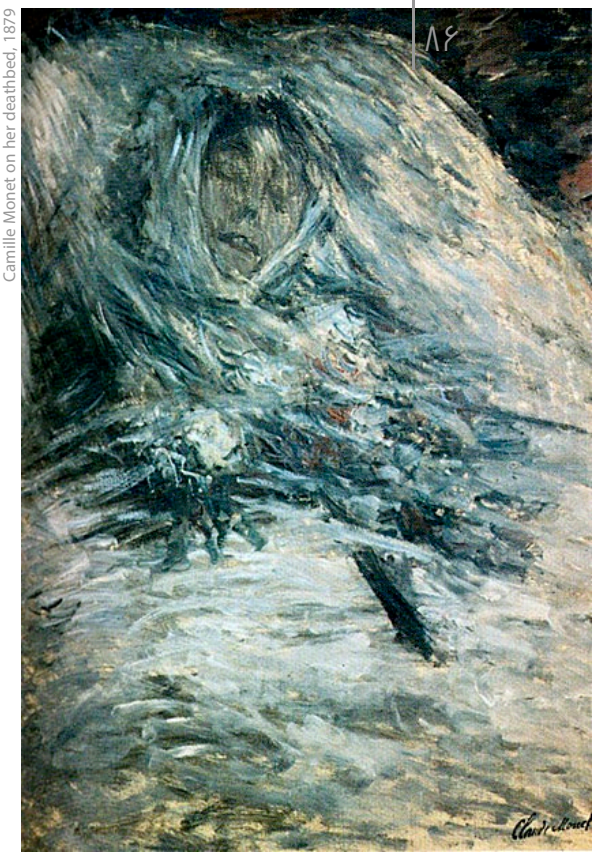
زندگی شخصی مونه بواسطه رنج ها و سختی هایی که متحمل گردید شناخته میشود. همسر وی در خلال دومین بارداری اش بیمار گشت و حال وی کم کم رو به وخامت نهاد. مونه از چهره بی جانِ همسرش و بستر مرگ وی نقاشی مشهوری را خلق کرده است. کمی پیش از درگذشت کامیل، خانواده مونه با «ارنست و آلیس اوشِدو[۲۱]» و شش کودکشان زندگی میکردند.

.....

19- Impression, Sunrise

20- Impressionists

21- Ernest and Alice Hoschede



Camille Monet on her deathbed, 1879

پس از مرگ کامیل، مونه مجموعه ای از آثار وهم انگیز و ترسناک را خلق نمود که امروزه به مجموعه های «یخ بسته[۲۲]» (بیروح) مشهورند. او شروع به نزدیک شدن به آلیس اوشدو کرد و سرانجام هر دوی آنها درگیر رابطه ای عاشقانه شدند. ارنست بیشتر وقت خود را در پاریس میگذراند گرچه او و آلیس هرگز رسمن از یکدیگر جدا نشدند. مونه و آلیس در سال ۱۸۸۳ همراه با فرزند و فرزند خوانده هایشان به ژیورنی[۲۳] نقل مکان کردند؛ جایی که به منبع الهامی درخشان برای نقاش و نیز محل زندگی همیشگی وی تا آخر عمرش مبدل گشت. پس از مرگ ارنست، مونه و آلیس در سال ۱۸۹۲ رسمن با یکدیگر ازدواج نمودند.

مونه در اواخر دهه ۱۸۸۰ و اوائل دهه ۱۸۹۰ بار دیگر شاهد موفقیت هایش در عرصه تجاری و هنری گردید و شروع به آفرینش آثاری نمود که وی را در جهان هنر مشهور ساخت. در ژیورنی او عاشق نقاشی در هوای آزاد و فضای باز باغ هایی بود که وی در ساخت آنها تلاش کرده بود. نیلوفرهای شناور در تالاب برای وی جذابیت خاصی داشتند و او مجموعه نقاشی های بسیاری از آنها در دوران عمرش خلق نمود؛ همچنین پلی که به سبک معماری ژاپنی بر روی تالاب ساخته بود، تبدیل به یکی از مهمترین سوژه های وی در آثار متعددی گردید. در سال ۱۹۱۸ مونه تصمیم گرفت تا به مناسبت اتمام جنگ جهانی اول دوازده نقاشی اثر از مجموعه نقاشیِ نیلوفرهای آبی را به ملت فرانسه اهدا کند.

در تلاش برای یافتن منابع الهام جدید، مونه گاهی به نقاط دیگر فرانسه هم سفر میکرد. در دهه ۱۸۹۰ او اتاقی در مقابل «کلیسای جامع روئن[۲۴]» در شمال غربی فرانسه کرایه نمود و مجموعه آثاری خلق کرد که سوژه اصلی آنها ساختمان این بنای تاریخی بود. نقاشی های متفاوت این عمارت بزرگ را در هنگام نورِ صبحگاهی، میانه روز ، هوای ابری و دیگر موقعیت های مختلف نمایش میدهند. این تکرار در آثار نقاشی، نتیجه شیفتگی عمیقِ مونه نسبت به تاثیرات نور بود.

علاوه بر کلیسای جامع، مونه موضوعات متعددی را به تناوب نقاشی کرده است و در آنها تلاش کرده تا حس مربوط به یک ساعت مشخص در طول روز را در یک منظره یا مکان را به مخاطب منتقل نماید. همچنین وی در دو مجموعه نقاشی که در این زمان خلق کرده است بر روی تغییراتِ که نور بر روی کومه های علف و درختان صنوبر ایجاد کرده تمرکز نمود. در سال ۱۹۰۰ مونه به لندن سفر کرد؛ جایی که «رودخانه تِیمز[۲۵]» حواس هنریِ وی را به خود معطوف نمود.

22- the Ice Series

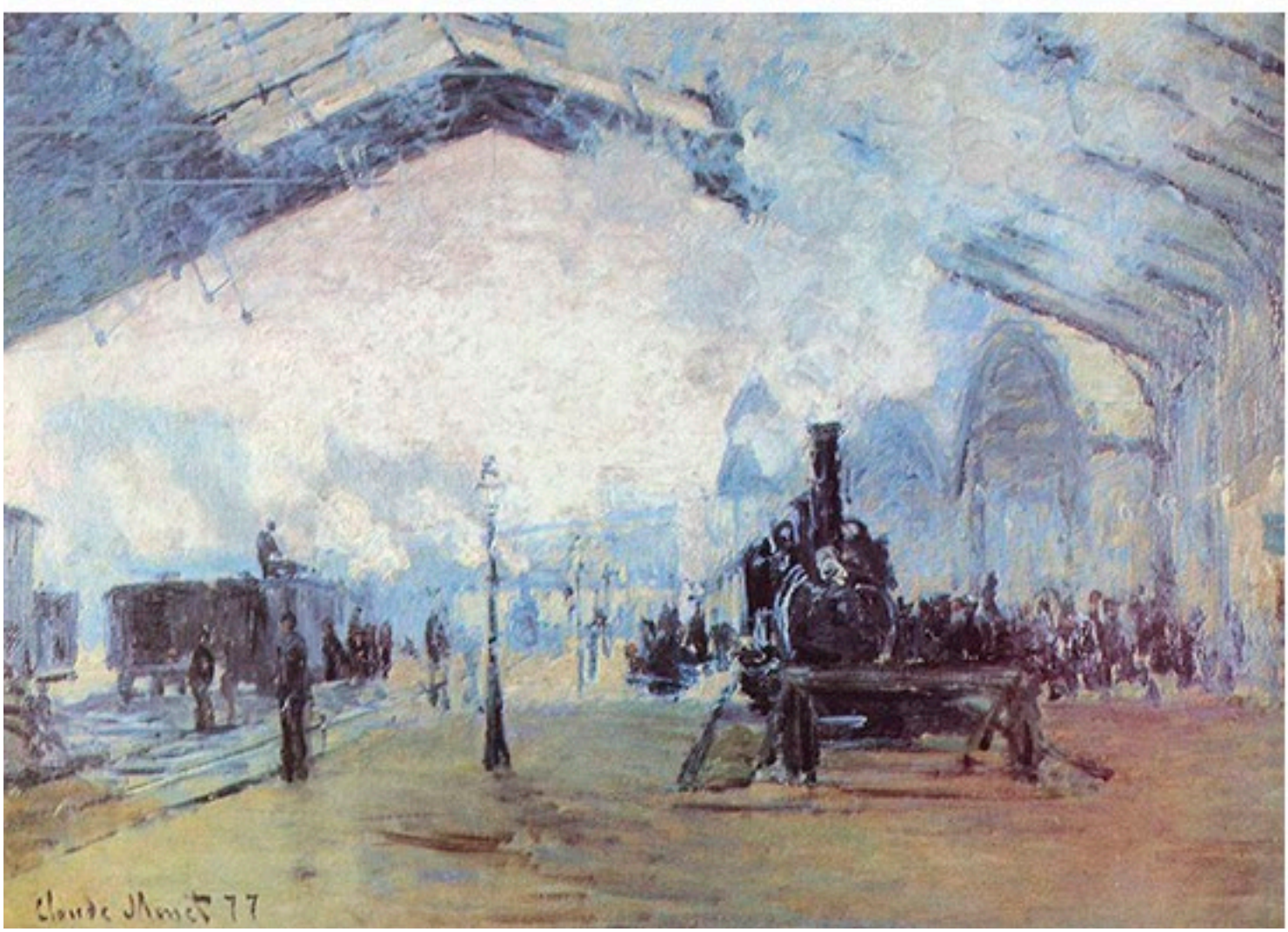
23- Giverny

24- the Rouen Cathedral

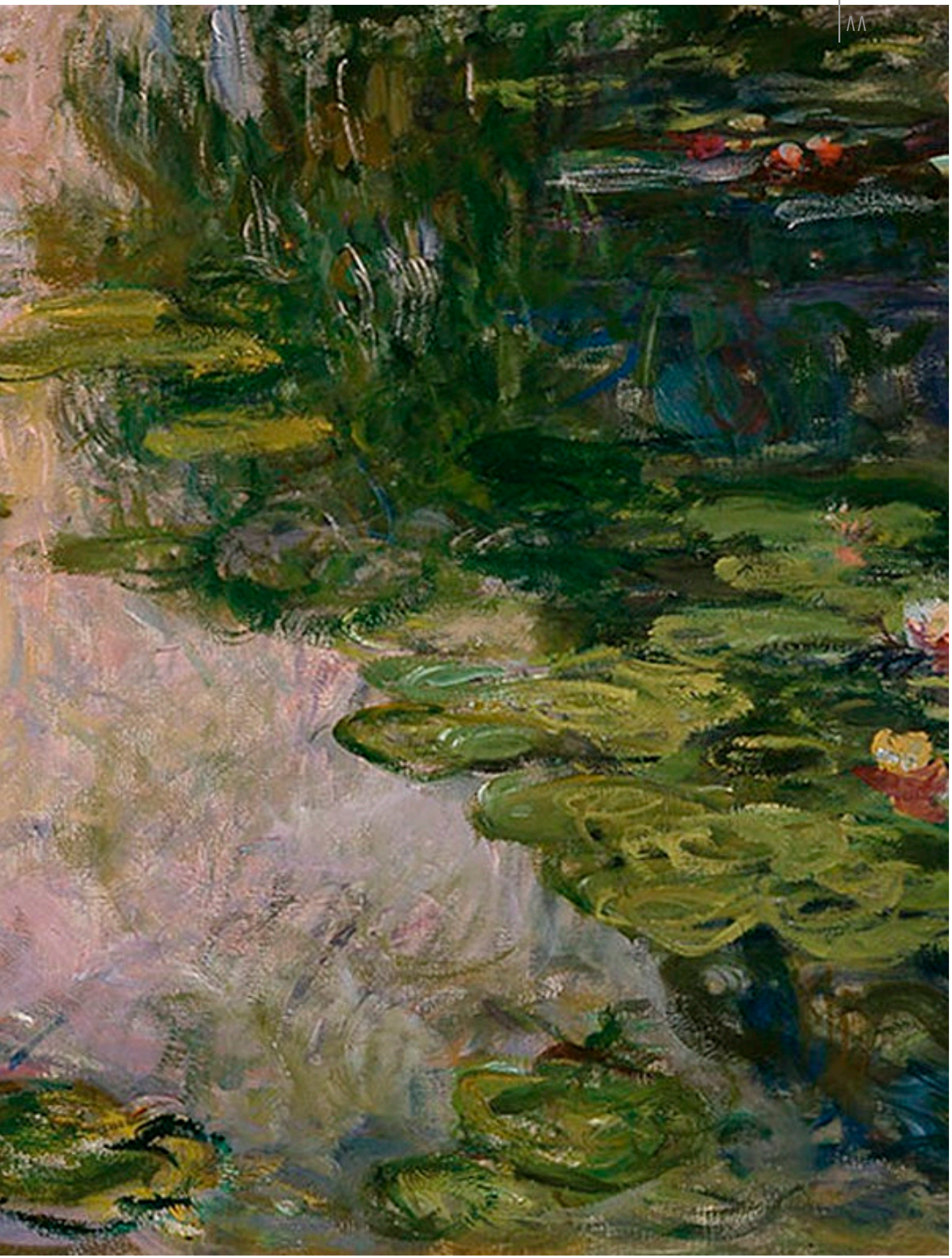
25- the Thames River

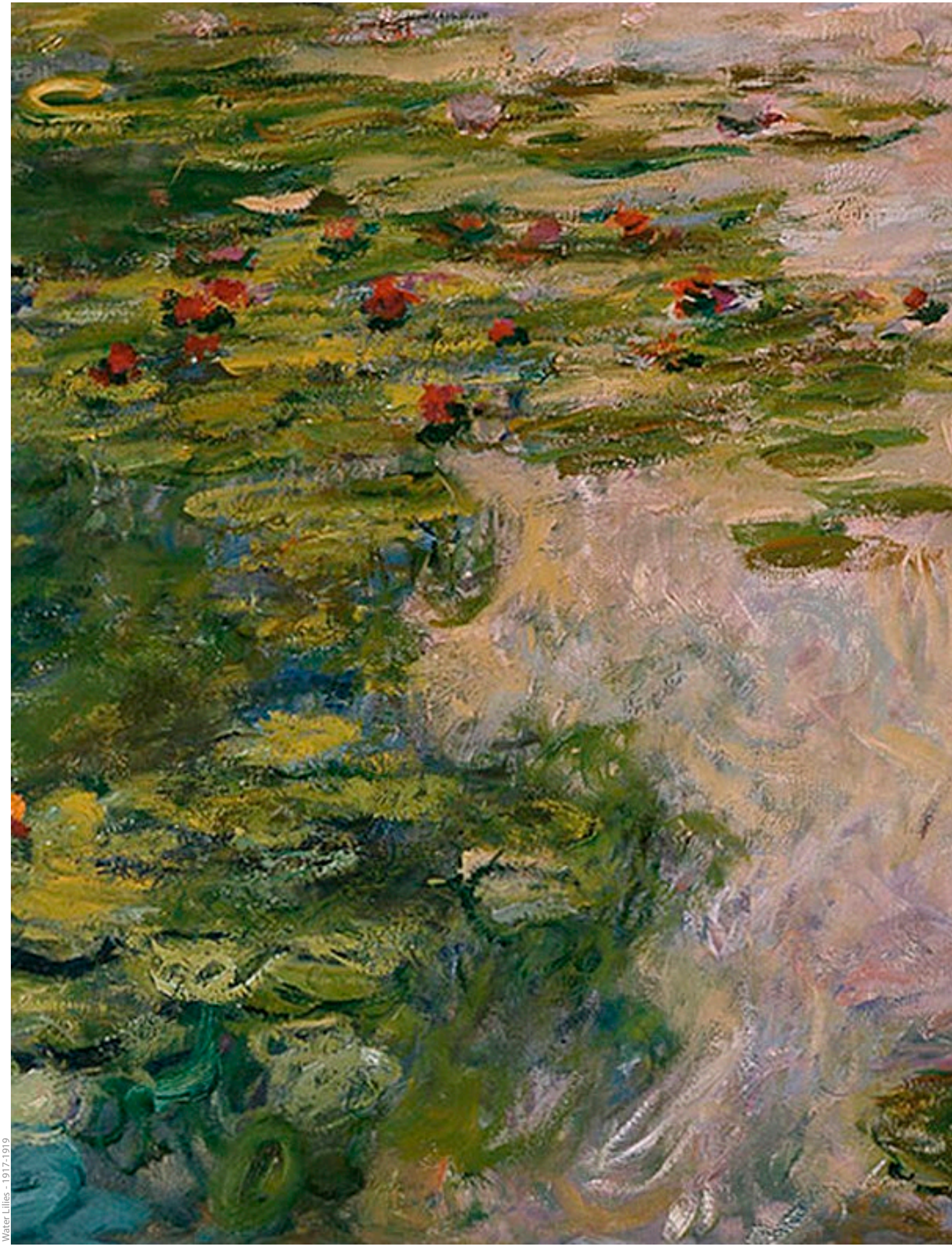


Die Elster - 1868-1869



Arrival of the Normandy Train, Gare Saint-Lazare-1877

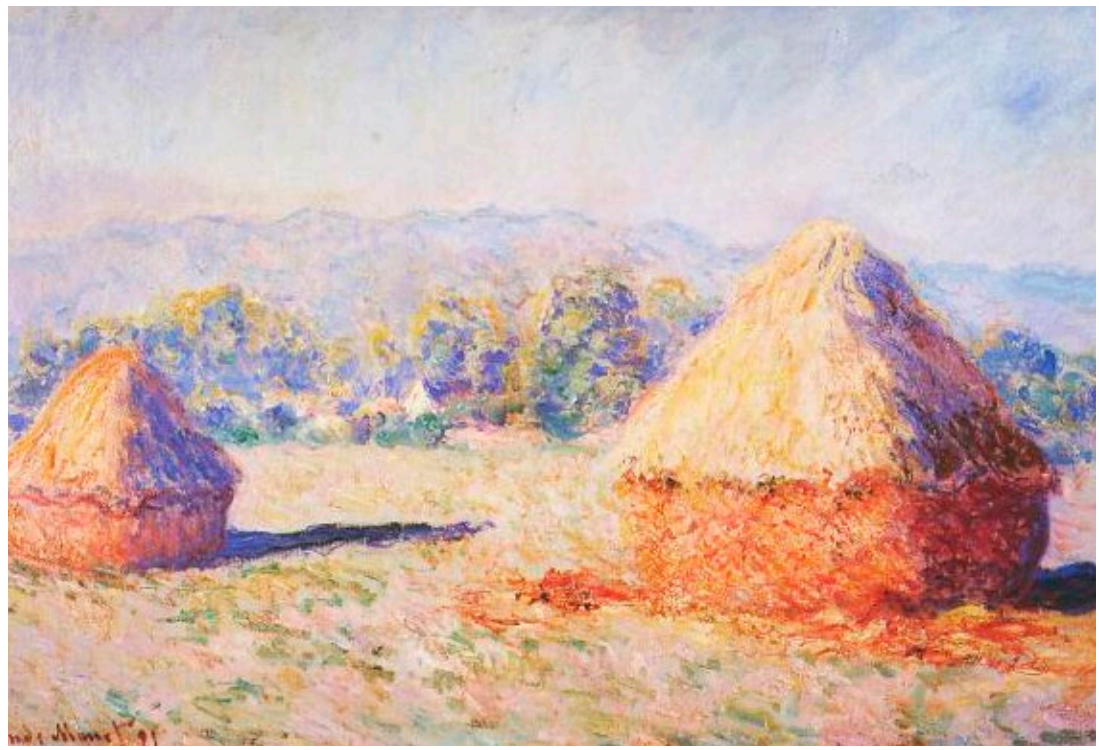




Water Lilies - 1917-1919



Rouen Cathedral at sunset, 1893



Grainstacks in the Sunlight, Morning Effect-1890

در سال ۱۹۱۱ مونه پس از مرگ آلیسِ محبوبش، مجددن دستخوش افسردگی گردید. در سال ۱۹۱۲ چشم راست وی به بیماری آب مروارید دچار شد. در دنیای هنر، مونه از جریان آوانگارد به دور افتاد. امپرسیونیست ها به طرق مختلف جای خود را به نقاشان کوبیستی میدادند که توسط دو هنرمند جوان یعنی «پابلو پیکاسو[۲۶]» و «ژرژ براک[۲۷]» رهبری و هدایت میشدند.

اما هنوز نسبت به کار مونه علاقه فراوانی وجود داشت. در این دوران، مونه شروع به آفرینش آخرین مجموعه نقاشی دوازده گانه از نیلوفرهای آبی نمود که توسط «موزه نارنجستان توئیلِری[۲۸]» شهر پاریس به وی سفارش داده شده بود. او تصمیم گرفت تا این مجموعه را در مقیاس بزرگ به تصویر بکشد تا از آنها برای پر کردن دیوارهای فضای ویژه موزه برای پرده های بزرگ نقاشی استفاده شود؛ او قصد داشت که این آثار به مثابه یک «پناهگاه مراقبه ی آرامش بخش» برای مخاطبان عمل نمایند و عقیده داشت که این تصاویر اعصاب خسته بازدیدگنندگان را آرامش و تسلا میبخشد.

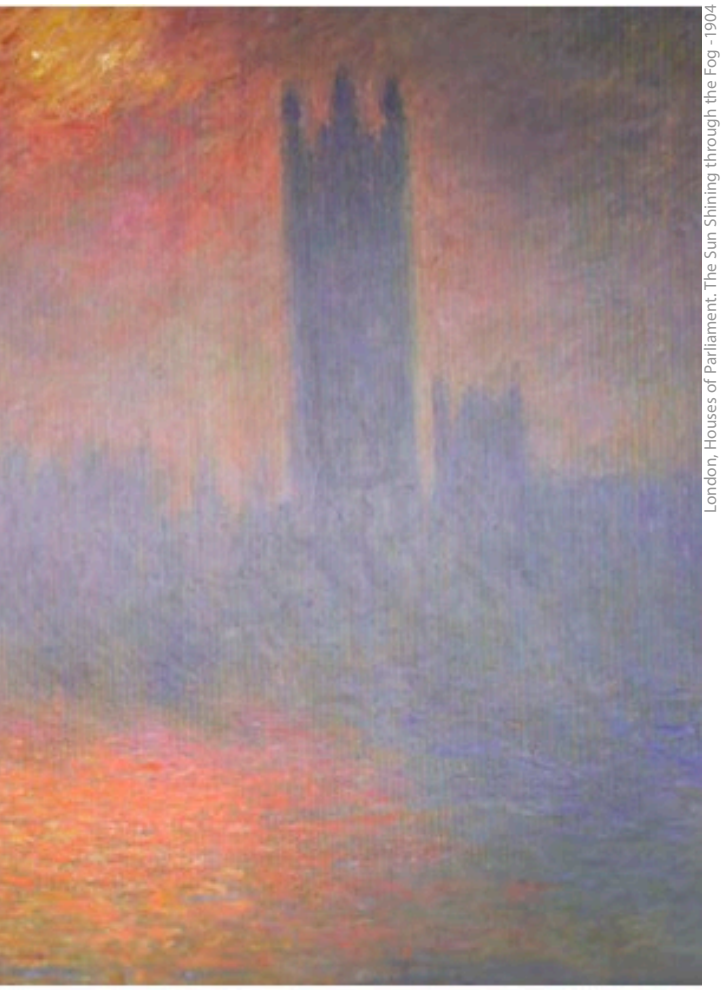
مونه در سالهای پایانی زندگی اش انرژی فراوانی را صرف پروژه «نارنجستان توئیلری» نمود. در نوشته ای به یک دوست مونه اظهار داشته که : «این مناظر از آب و بازتاب آن، دارد به یک وسواس فکری برای من تبدیل میشود. این کار خارج از توان من به عنوان یک پیرمرد است؛ با اینحال من هنوز میخواهم آنچه را که احساس میکنم را به مخاطبانم منتقل نمایم». علاوه بر این، وضعیت سلامت مونه مانع از پیشرفت کار وی میشد. او که اکنون به واسطه بیماریِ آب مروارید هر دو چشمش تقریبن بینایی خود را از دست داده بودند، سرانجام موافقت نمود تا در سال ۱۸۲۳ تحت عمل جراحی قرار گیرد.

.....

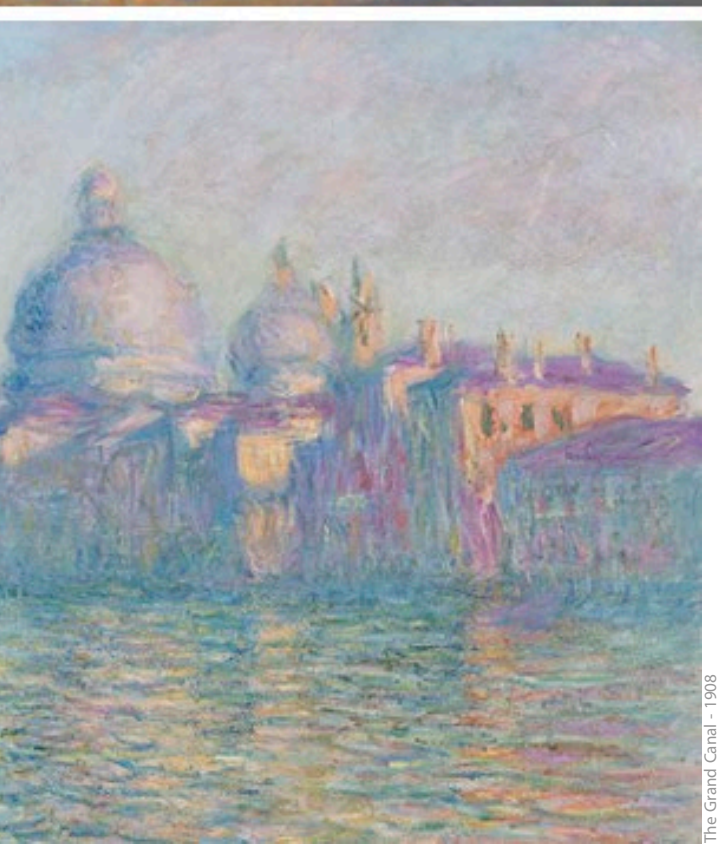
26- Pablo Picasso

27- Georges Braque

28- the Orangerie des Tuileries



London, Houses of Parliament. The Sun Shining through the Fog - 1904



The Grand Canal - 1908

■ سالهای واپسین عمر

مونه به عنوان شخصی که اتفاقات و تجارب متفاوتی را در طول زندگی اش از سر گذرانده بود در سالهای پایانی عمرش با افسردگی دست به گریبان بود. او خطاب به یکی از دوستانش نوشت : «کهولت سن و اندوه، مرا در هم شکسته کرده اند. زندگی ام چیزی جز یک اشتباه نبوده است و تنها چیزی که از زندگی برایم باق مانده تا انجام دهم اینست که پیش از مرگ تمام نقاشی هایم را نابود کنم». با وجود حس نا امیدی فراوان، مونه کار خود را تا واپسین روزهای عمرش ادامه داد.

مونه در پنجم دسامبر سال ۱۹۲۶ در خانه اش در ژیورنی درگذشت. مونه زمانی نوشت: «تنها برتری من، به نقاشی کردن دقیق از طبیعت و جستجوی راهی برای انتقال احساساتم نسبت به زودگذرترین تاثیرات (اتفاقات) خلاصه شده است.» اغلب مورخین هنری معتقدند که مونه کاری بسیار ارزنده تر از آنچه خود اظهار داشته به انجام رسانیده است. وی به واسطه کنار گذاشتنِ قراردادهای هنری گذشته به تغییرِ شگرف دنیای نقاشی کمک شایان توجهی نمود. مونه با انحلال فرم ها در آثارش، درهای جدیدی برای بیان انتزاعی آثار هنری پیش روی ما گشود و نیز با تاثیر بر کارهای هنرمندان سرشناسی همچون «جکسون پولاک[۲۹]» و یا «مارک روتکو[۳۰]»، به ایشان اعتبار هنری بخشید.

از سال ۱۹۸۰ میلادی، خانه مونه در ژیورنی به بنیاد هنری کلود مونه تغییر کاربری یافته است و مکانی است برای دیدار هنرمندان با خاطرات این نقاش بزرگ امپرسیونیست.

.....

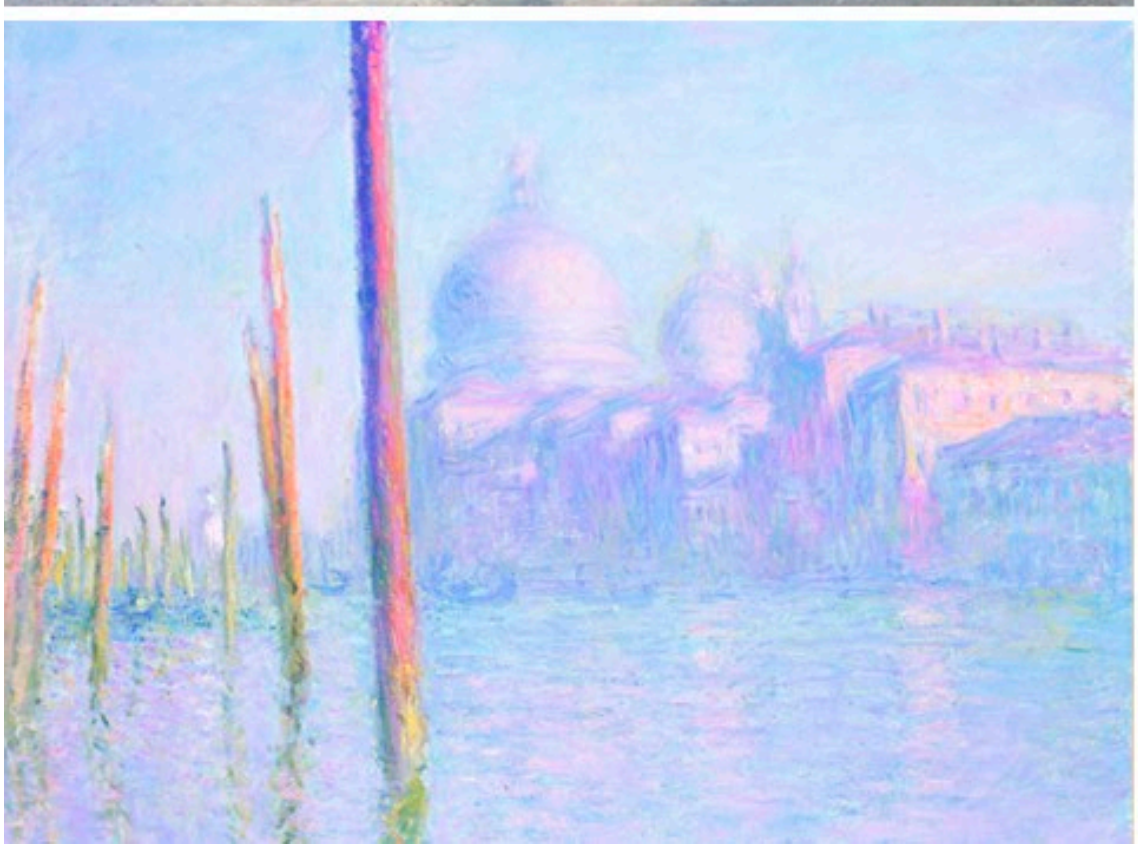
29- Jackson Pollack

30- Mark Rothko



London, Houses of Parliament. The Sun Shining through the Fog - 1900





The Grand Canal - 1908

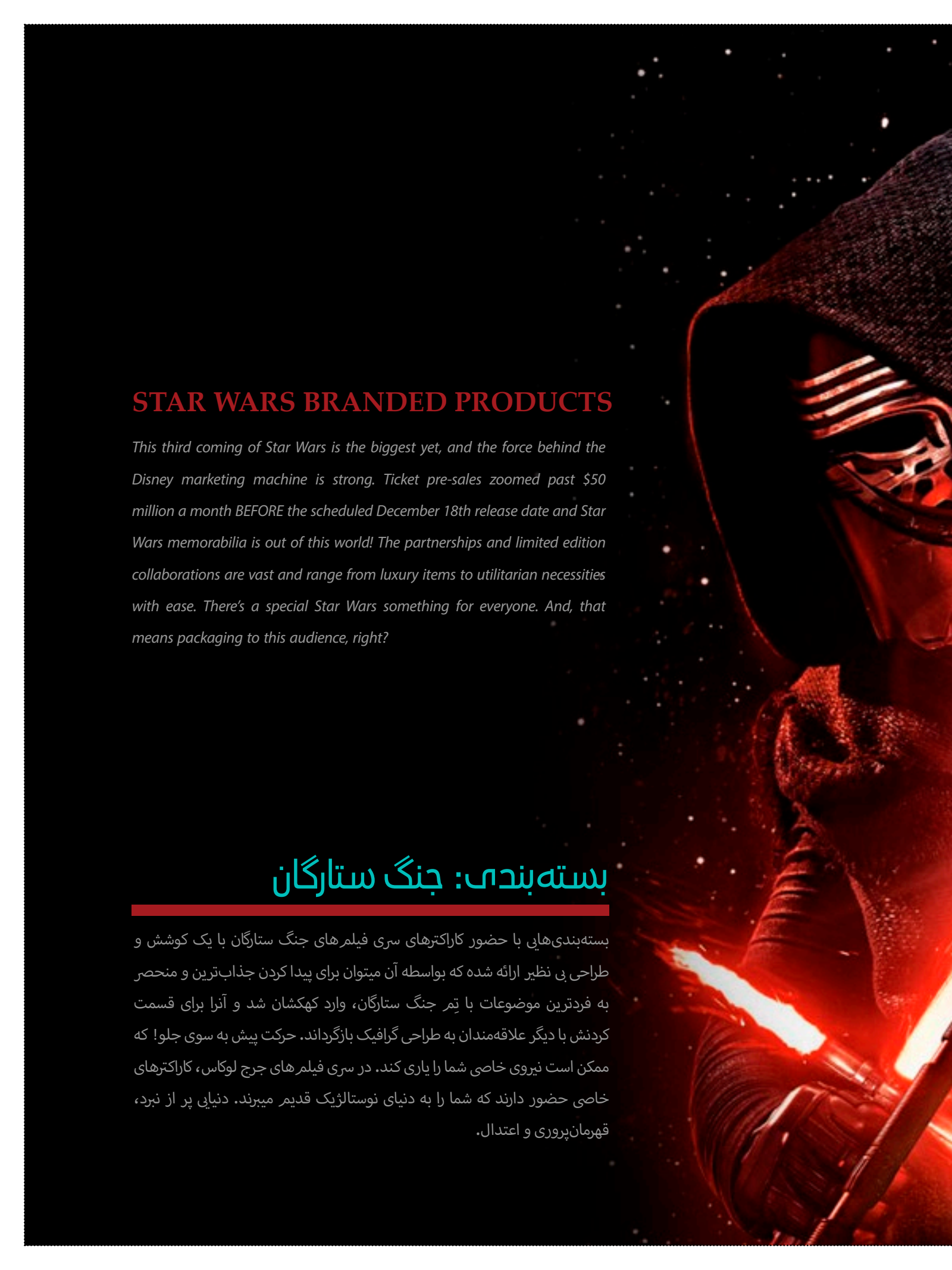



Instagram
در اینستاگرام، پان آرت را پیگیری کنید
instagram.com/panartmagazine/



Packaging





STAR WARS BRANDED PRODUCTS

This third coming of Star Wars is the biggest yet, and the force behind the Disney marketing machine is strong. Ticket pre-sales zoomed past $50 million a month BEFORE the scheduled December 18th release date and Star Wars memorabilia is out of this world! The partnerships and limited edition collaborations are vast and range from luxury items to utilitarian necessities with ease. There's a special Star Wars something for everyone. And, that means packaging to this audience, right?

بسته‌بندی: جنگ ستارگان

بسته‌بندی‌هایی با حضور کاراکترهای سری فیلم‌های جنگ ستارگان با یک کوشش و طراحی بی نظیر ارائه شده که بواسطه آن میتوان برای پیدا کردن جذاب‌ترین و منحصر به فردترین موضوعات با تِم جنگ ستارگان، وارد کهکشان شد و آنرا برای قسمت کردنش با دیگر علاقه‌مندان به طراحی گرافیک بازگرداند. حرکت پیش به سوی جلو! که ممکن است نیروی خاصی شما را یاری کند. در سری فیلم‌های جرج لوکاس، کاراکترهای خاصی حضور دارند که شما را به دنیای نوستالژیک قدیم میبرند. دنیایی پر از نبرد، قهرمان‌پروری و اعتدال.


STAR WARS
adidas
SPICED LATTE
STAR WARS
LIMITED EDITION PACK
Nestlé
Coffee-mate
SPICED LATTE
ESPRESSO CHOCOLATE
STAR WARS
LIMITED EDITION PACK
Nestlé
Coffee-mate
ESPRESSO CHOCOLATE
HAZELNUT
STAR WARS
LIMITED EDITION PACK
Nestlé
Coffee-mate
HAZELNUT
FRENCH VANILLA
STAR WARS
LIMITED EDITION PACK
Nestlé
Coffee-mate
FRENCH VANILLA

- **کتانی های آدیداس:** برند آدیداس یکی از مشهورترین برندهای تجاری کفش کتانی در تمام دوران است. این کفش بروی طرحی فرهنگی که ابتدا توسط اسطوره های افسانه‌ای سبک موسیقی هیپ-هاپ مثل گروه‌های «ران دی . ام . سی[1]» و نیز توسط افرادی نظیر «میسی اِلیوت[2]» و «ریتا اُرا[3]» مورد استفاده قرا داشت مطرح شد. بعدها در تاریخ شرکت آدیداس، این کمپانی همکاری مشروطی را با جنگ ستارگان انجام داد. طرفداران جنگ ستارگان شما را برای این مورد عقب نگه میدارند. این کفشها در کنترل شما قرار دارند! آنها مسلمن مخصوص به شما و برای حرکات نامحدود ساخته شده‌اند؛ آغازی با کفشهای اوریجینالِ سوپرمدل‌های کلاسیک دهه ۸۰ میلادی. شرکت آدیداس که بواسطه‌ی آن طرفداران میتواند رنگ‌های متفاوت، بندهای چرمی جذاب، گرافیک جذاب جنگ ستارگان، پاشنه صدفی‌های متالیک و لباس‌های چرمی جذاب را انتخاب و تولید کند: کهکشانی از امکانات! هیچ چیز بیشتر از فکر کردن به یک جفت کفشِ نقره‌ایِ درخشانِ مدل جدیدِ پاشنه صدفیِ خیالاتی، شما را قلقلک نمیدهد؛ آنهم زمانی که سوسو زدن آن شما را ترغیب به دیدن اولین اکران این فیلم سینمایی میکند.

.....

1- Run D.M.C

2- Missy Elliot

3- Rita Ora



- **کافی‌میت نستل[4]:** چه چیزی یک صبح عالی را برای یک هوادار دو آتشه جنگ ستارگان رقم میزند؟! نظر شما درباره این مورد که با فراغ بال پیژامه جنگ ستارگانی خود را پوشیده‌اید و در پتوی مدلِ جنگ ستارگان خود را پوشانده‌اید و در همان حال کافی‌میتی با طعم جنگ ستارگان را در یک لیوان مزین به طرح آن جرعه جرعه مینوشید و برای هزارمین بار بروی دی‌وی‌دی خانگی در حال تماشای فیلم سینمایی نسخه جدید این مجموعه هستید چیست؟!! بله درست است. کافی‌میت نستل تعداد محدودی از محصولات خود را با تم جنگ ستارگان و با طعم هیجان‌انگیز نیروی بیداری تولید کرده است. این خط محدود تولید، شامل پنج شخصیت معرفی کننده پنج نوع طعم مختلف است و در کانتینرهایی شبیه کاراکترهای فیلم قرار دارد. شکل بسته‌بندی این محصولات از اندازه استاندارد شیشه‌های کافی میت، انحرافی پیدا نکرده است. در عوض شیشه‌ها در پلاستیک‌های گرافیکی طرحدار جنگ ستارگان پیچانده شده‌اند.

.....

4- Nestle Coffee-Mate


IN CASE OF LOSS PLEASE RETURN TO:
AS A BOUNTY:
STAR WARS
STAR WARS
WEEKLY NOTEBOOK DIARY PLANNER
AGENDA CARNET SEMAINIER
MOLESKINE


STAR WARS
MOLESKINE
IN CASE OF LOSS PLEASE RETURN TO:
STAR WARS


SMS
STAR WARS
on-ear
wired
STAR WARS
LIMITED EDITION PINT
AMPLE HILLS CREAMERY production
THE DARK SIDE
frozen custard
one pint | 473 ml


STAR WARS
an AMPLE HILLS CREAMERY production
THE LIGHT SIDE
frozen custard
one pint | 473 ml
STAR WARS
CERTIFICATE OF AUTHENTICITY
STAR WARS
STAR WARS

- **شرکت ماکارونی و پنیرکرافت[۵]:** تنها در این زمان برای اکران جدیدترین قسمت فیلم جنگ ستارگان، شرکت «ماکارونی و پنیر کرافت» با کمپانی دیزنی برای انتقال تجربه جنگ ستارگان به زندگی واقعی در قالب شیوه‌ای سرگرم‌کننده در چارچوب محیط غذایی همکاری کرده است. بسته‌بندی نقشی کلیدی در موفقیت آیتم‌هایی که در محیط غذایی عرضه شده‌اند را ایفا میکند؛ چنانکه این شرکت مسئولیت جلب مشتری و معرفی مستقیم ارزش و مضمون این اثر را در قالب منحصر به فردِ یک محیطِ فروشگاهی بر عهده گرفته است. بسته‌بندی بدین شیوه، نمایش جذابی از مبارزه میان خیر و شر، یعنی همان کاراکترهای جنگ ستارگان، خلق میکند که در آن به دو شخصیت جنگی که با شمشیرهای سابر نورانی‌شان در سرتاسر سکو مبارزه میکنند، اشاره گشته است. طراحی، خودش را در تمام ساختار نخستین به پایان میرساند و با ادامه‌ی طراحی از پنلی به پنلی دیگر همچون جعبه‌ای که دائمن در حال چرخش است، ادامه مییابد.

5- Kraft Mac And Cheese





بلومینگدِیل[6] : کیسه‌هایِ قهوه‌ایِ نشانه‌دارِ بلومینگدیل به اجبار توسط پدیده بازاریابی جنگ ستارگان گرفته شده‌اند. نقل و انتقالات محدود، بخشی از شراکت بلومینگدیل با شرکت «فورس فور فَشن[7] » است که نوعی همکاریِ جالب‌توجه میان صنعت مُد با جنگ ستارگان به شمار میرود. امتیازی ویژه که برای پولسازی دلیل خوبی به شمار میرود. کوله‌های این شرکت برای مصرف معمول خریداران شرکت بلومینگدیل طراحی نشده‌اند؛ این محصولات با دوام، با قابلیت استفاده مجدد و البته برای کار تصویرسازی به منظور تزئین قسمت جلویِ آن با شخصیتهای سه گانه جنگ ستارگان طراحی شده است. هنر این طراحی، سبکی دشوار و پیچیده در خود دارد که با حرکت و هیجان تلفیق شده است.

6- Bloomingdale's

7- Force 4 Fashion





مولِـسکاین[۸]: در اینجا همه چیز هست، نسخه‌های جنگ ستارگان مانندی از نوت‌بوک‌های جذاب انجمن خلاقیت. مولسکاین خط تولید محدودی از نوت‌بوک‌ها و پلانرهای مربوط به جنگ ستارگان راه اندازی کرده است که واقعن همه‌شان به فروش رفته‌اند. این توزیعِ محدود، توانایی به هیجان‌آوردن افراد علاقه‌مند به جمع آوری آثار مربوط به جنگ ستارگان را به اندازه دنیای هنر داراست. تمام ویژگی‌های معمول و دوست‌داشتنی مولسکاین در آن وجود دارد: کاغذ بدون اسید، درب الاستیک، شیرازه خیاطی و روبان‌های پارچه‌ای گره‌دار. اما مجموعه‌ی جنگ ستارگان هر چیزی را به مرحله‌ای دیگر منتقل میکند (یا باید گفت به کهکشان!!!). هر کدام از شش پلانر سیلک اسکرین با یکی از شش شخصیت مهم این فیلم روی کاور چاپ شده‌اند و هر کدام از یک پالت رنگ دو بخشی استفاده میکنند. درون هر یک از آنها محتویات بسته‌بندی شده جنگ ستارگان که گستره‌ای از تِم‌های استیکر تا تصاویر چاپ شده سفینه جنگ ستارگان را در بر میگیرد، وجود دارد. بله، دنباله‌ی پاکتِ انبساط پذیر آن هنوز هم اینجاست، اما شما میتوانید با خیره‌شدن به مونتاژهای رنگی زیبای تصاویر فیلم بر آن مسلط شوید. جزئیات فراوان، علاقه زیاد برای نگاه کردن، جنگ‌های ستاره‌ای فراوان و عشق به مولسکاین همه در یک پکیج گرده هم آمده‌اند.

8- Moleskine


STAR WARS
STAR WARS
BB-8
sphero
AUTHENTIC MOVEMENT
LISTENS & RESPONDS
HOLOGRAPHIC COMMUNICATION
AUTONOMOUS BEHAVIOR
ADAPTIVE PERSONALITY
sphero
Disney
BB-8™
APP-ENABLED DROID





Friends of the
World Food Program

برنامه جهانی غذا

مبارزه جهانی با گرسنگی

http://fa.wfp.org/

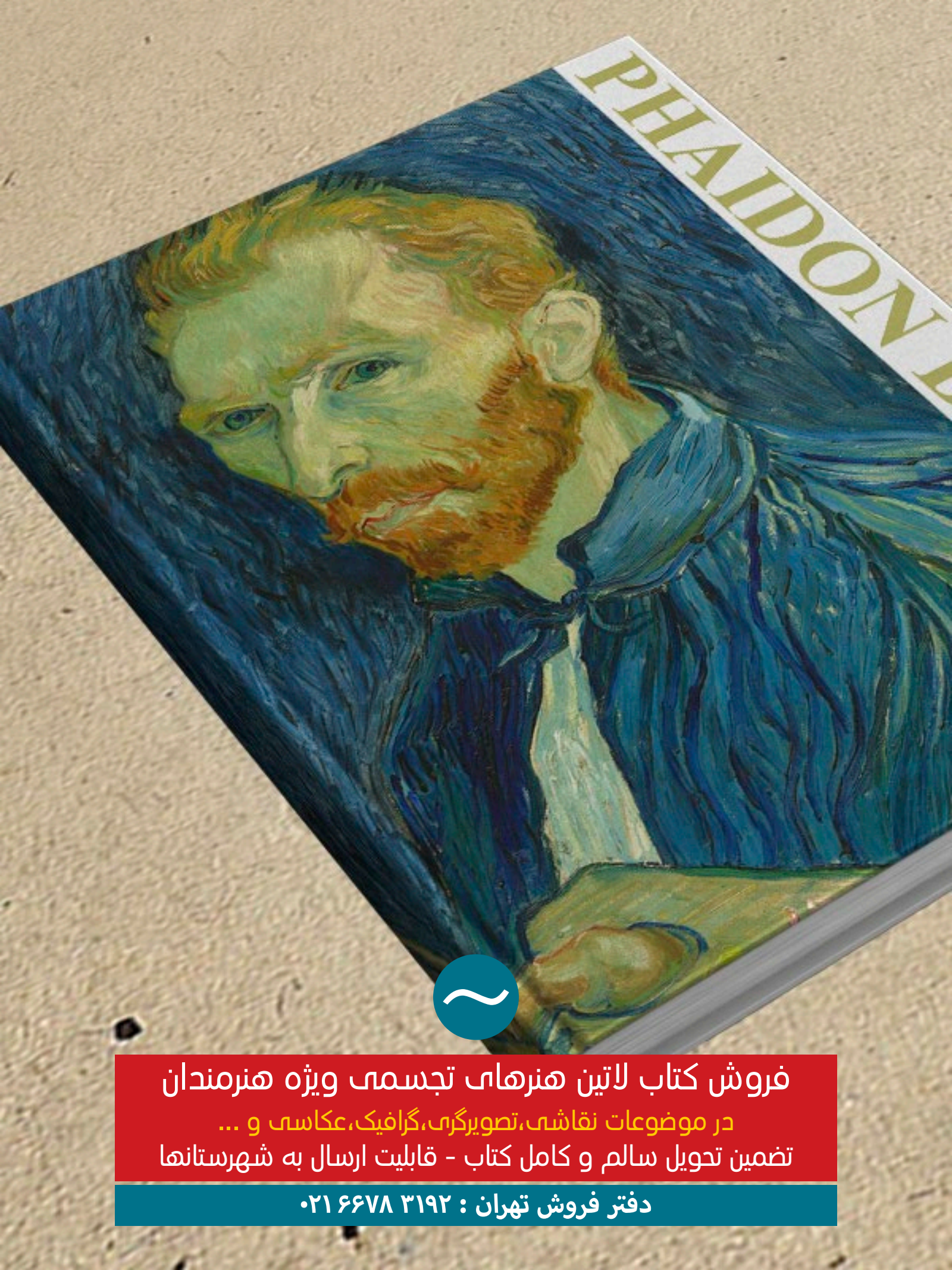

AYS A BLANK
WHERE WAITING
TIST TO DO
G WITH IT.
ag.com
InPrint
Inspiring Artists
te on demand.
t your copy today!

THERE IS ALWA
CANVAS SOMEW
FOR AN AR
SOMETHIN

inprint-m

MagCloud

Purchase your InPrint Magazine on MagCloud websi
Rich colors and affordable prices. Don't miss out, ge
magcloud.com/browse/magazine/354769



فروش کتاب لاتین هنرهای تجسمی ویژه هنرمندان
در موضوعات نقاشی،تصویرگری،گرافیک،عکاسی و ...
تضمین تحویل سالم و کامل کتاب - قابلیت ارسال به شهرستانها
دفتر فروش تهران : ۰۲۱ ۶۶۷۸ ۳۱۹۲